

行

# جامعہ شناسی سیاسی

سؤال و پاسخ

بر اساس کتاب «جامعہ و سیاست»

نوشتہ: مایکل راش

وبلاگ سیاسی

[Sayyas.blogfa.com](http://Sayyas.blogfa.com)

## جامعه‌شناسی سیاسی

عنوان درس به انگلیسی: Political Sociology

نام استاد ارائه‌دهنده: حجة الاسلام والمسلمین رمضان‌نرگسی

تاریخ ارائه: نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲

مکان ارائه: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع / ساختمان مرکزی

تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۹۳

شماره: ت ۰۶ / ۰۸

وبلاگ سیاسی

[sayyas.blogfa.com](http://sayyas.blogfa.com)

آدرس:

پست الکترونیک: [sayyas@mihanmail.ir](mailto:sayyas@mihanmail.ir)

- 
- هرگونه استفاده، انتشار، کپی‌کردن، اسناد دهی، درج در سایت‌ها و دیگر وبلاگ‌ها با ذکر نام منبع (وبلاگ سیاسی) جایز می‌باشد.
  - فروش این جزوه، شرعاً حرام می‌باشد.
  - هرگونه تغییر شکل در محتوای ظاهری جزوه، جایز نمی‌باشد.

## فهرست

فصل اول: جامعه‌شناسی چیست؟.....	۵
فصل دوم: دولت و جامعه.....	۶
فصل سوم: قدرت، اقتدار و مشروعیت.....	۸
فصل چهارم: توزیع قدرت.....	۱۳
فصل پنجم: اجتماعی‌شدن سیاسی.....	۲۱
فصل ششم: مشارکت سیاسی.....	۲۵
فصل هفتم: گزینش سیاسی.....	۲۹
فصل هشتم: ارتباطات سیاسی.....	۳۰
فصل نهم: افکار عمومی و جامعه.....	۳۵
فصل دهم: ایدئولوژی و جامعه.....	۳۸
فصل دوازدهم: نظریه توسعه و نوسازی.....	۴۱

- فصل یازدهم (انقلاب) و فصل سیزدهم (آینده جامعه‌شناسی) توسط استاد، حذف شد.
- مباحث فصل دوازدهم (نظریه توسعه و نوسازی)، از کتاب مایکل راش نمی‌باشد و از جزوه استاد اقتباس شده است.

## فصل اول: جامعه‌شناسی چیست؟

سؤال ۱) جامعه‌شناسی را تعریف کنید. (ص ۳)  
جامعه‌شناسی مطالعه رفتار انسان در زمینه اجتماعی است.

سؤال ۲) دو تحول اساسی که موجب رشد جامعه‌شناسی سیاسی شد را شرح دهید. (ص ۵)  
۱. نخستین تحول پیدایش رویکرد رفتاری در علوم اجتماعی برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی بود. رفتارگرایی بر مشاهده و تحلیل رفتار فردی و گروهی متمرکز گردیده بود. این روش تأکید زیادی بر سنجش دقیق و منظم و تلاش برای اثبات وجود الگوهای رفتاری داشت که اساس فرضیه‌های مربوط به قوانین رفتار را تشکیل می‌دهد.  
۲. تحول بعدی، توجه خاص دانشمندان سیاسی آمریکا به مطالعه سیاست کشورهای جهان سوم و در حال توسعه بود.

سؤال ۳) «جامعه‌شناسی سیاسی» چیست؟ (ص ۹)  
«جامعه‌شناسی سیاسی» می‌کوشد پیوندهای میان سیاست و جامعه را مطالعه کند و با تحلیل رابطه بین ساختارهای اجتماعی و ساختارهای سیاسی و بین رفتار اجتماعی و رفتار سیاسی، سیاست را در زمینه اجتماعی آن قرار دهد.

سؤال ۴) وظیفه جامعه‌شناسی چیست؟ (ص ۱۵)  
وظیفه جامعه‌شناسی سیاسی، بررسی و تبیین رابطه بین سیاست و جامعه، رابطه بین نهادهای اجتماعی و سیاسی و رابطه بین رفتار اجتماعی و سیاسی است.

## فصل دوم: دولت و جامعه

سؤال ۱) عوامل پیدایش دولت مدرن را نام برده، شرح دهید.  
ظهور سرمایه‌داری، انقلاب صنعتی، ظهور دولت ملی.

سؤال ۲) سرمایه‌داری تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفت؟

این تحولات برای رشد سرمایه‌داری ضروری بود:

الف. بقای سلسله‌ها و خاندان‌های سلطنتی برای به وجود آمدن انباشت ثروت از طریق وراثت و ازدواج

ب. جامعه طبقاتی با تحرک اجتماعی کافی برای فراهم‌ساختن امکان تجدید طبقات بالاتر و تشویق طبقات

پائین‌تر

ج. توسعه تجارت جهانی برای افزایش میزان سود

سؤال ۳) انقلاب صنعتی چگونه شکل گرفت؟

انقلاب صنعتی علاوه بر سرمایه، وابسته به شرایط دیگری مانند منابع، نیروی انسانی، غذا، مدیران اقتصادی، بازار و حمایت ایدئولوژیک بود. تغییر اقتصاد معیشتی به اقتصاد پولی در همه جای اروپا رخ داد. به دنبال فروپاشی فئودالیسم، شیوه‌های جدید کشاورزی و روش‌های جدید کشت و گردش محصول و استفاده از کود منجر به انقلاب کشاورزی شد. افزایش بازده محصول، رشد جمعیت را آسان کرد. تعارض میان کلیسا و دولت به نفع دولت حل گردید و دولت هرگز تابع کلیسا نشد. انگلستان بای پروراندن انقلاب صنعتی به منزله یک قدرت دریایی و بازرگانی در موقعیت برتری قرار داشت.

سؤال ۴) عناصر شکل‌گیری دولت ملی را نام برده، شرح دهید.

۱. باید اکثریت قاطع جمعیت به گروه‌های مشترک قومی، زبانی و فرهنگی تعلق داشته باشند.

۲. داشتن مرز مشترک،

۳. قوانین مشترک

۴. و آرمان‌های واحد نیز از دیگر عناصر دولت ملی است.

سؤال ۵) نمادهای هویت ملی کدامند؟ (ص ۴۱)

۱. زبان،
۲. فرهنگ،
۳. تاریخ،
۴. ایدئولوژی،
۵. پرچم
۶. و سرود ملی

سؤال ۶) عوامل ایجاد هویت واحد را نام ببرید. (ص ۴۲)

۱. اجتماعی کردن طبیعت از طریق آموزش و پرورش و رسانه‌های همگانی،
۲. نیاز به دفاع از ملت در برابر تهدید خارجی،
۳. استفاده از جنگ به منزله یک نیروی وحدت‌بخش،
۴. عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای،
۵. سیاست‌های توسعه اقتصادی.

## فصل سوم: قدرت، اقتدار و مشروعیت

سؤال ۱) تعریف لغوی قدرت را بیان کنید. (ص ۴۶)

تعریف لغوی «قدرت» عبارت است از: «توانایی کنش یا عمل». استعمال واژه قدرت در رسانه‌های همگانی، بر زبان مورخان و تحلیلگران سیاسی به همین معنای لغوی قدرت بازگشت می‌کند.

سؤال ۲) تعریف قدرت از نظر راسل را توضیح دهید. (ص ۴۶)

به گفته برتراند راسل «قدرت تولید نتایج مورد نظر» است. از آن‌جا که «قدرت» همیشه بر حسب توانایی نظامی سنجیده شده است، تعریف راسل به خوبی بر آن قابل تطبیق است، زیرا استفاده از نیروی نظامی معمولاً عمدی و دارای نتایج مورد نظر است. نتایج غیرمنتظره‌ای که ممکن است در صورت استفاده از نیروی نظامی حاصل شود، جنبه فرعی دارند و چون پیش‌بینی نشده بودند و یا جزء هدفهای اولیه نبوده‌اند، به معنای اعمال قدرت نیستند.

سؤال ۳) طبق تعریف راسل قدرت یک فرآیند است یا یک کالا؟ (ص ۴۷)

تعریف راسل قدرت را بیشتر یک فرآیند یا فعالیت در نظر می‌گیرد تا یک کالا و منبع، به طوری که این پرسش مطرح می‌شود که «آیا قدرت تنها هنگامی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، وجود دارد؟». بدیهی است تا اندازه‌ای معمول است که قدرت نظامی پیش از آن‌که مورد استفاده قرار گیرد، با شمارش تعداد سربازان، توپ‌ها، موشک‌ها، تانک‌ها، کشتی‌ها و هواپیماها و برای سنجش اثربخشی احتمالی سنجیده شود.

سؤال ۴) تعریف وبر از قدرت را شرح دهید. (ص ۴۷)

«قدرت» عبارت است از احتمال این‌که یک کنشگر در یک رابطه اجتماعی در موقعیتی باشد که اراده خود را به رغم مقاومت دیگران اعمال کند، صرف نظر از این‌که این احتمال بر چه مبنایی قرار دارد.

کاربرد واژه احتمال توسط وی اساس است، زیرا امکان می‌دهد که قدرت به‌طور بالقوه در نظر گرفته شود، تا این‌که در انتظار کاربردش باشیم و مهم‌تر این‌که آنرا به‌طور نسبی در نظر بگیریم و نه به‌طور مطلق. وبر هرگونه نظریه‌ای را که به طور انحصاری قدرت را بر مبنای استفاده یا تهدید کاربرد زور مطرح می‌سازد، رد می‌کند و معتقد است عوامل دیگری می‌توانند تعیین کنند که آیا اراده یک فرد یا گروهی از افراد بر اراده فرد یا گروهی از افراد دیگر مسلط شده است یا نه؟



بیشتر نظریه‌های علوم اجتماعی برحسب احتمال بیان می‌گردد و «قدرت» نباید استثناء باشد. همچنین در نظرگرفتن «قدرت» هم به منزله یک منبع و هم به مثابه یک فرآیند سودمند است؛ زیرا یکی به‌طور اجتناب‌ناپذیر دیگری را تکمیل می‌کند و امکان در نظرگرفتن کاربرد غیرموفقیت‌آمیز قدرت را نیز فراهم می‌سازد.

**سؤال ۵) سه سؤال اساسی از تعریف قدرت کدامند؟ (ص ۴۸)**

یک. «چه کسی» قدرت را اعمال می‌کند؟

دو. «چگونه» قدرت اعمال می‌شود؟

سه. «چرا» قدرت اعمال می‌گردد؟

**سؤال ۶) در نظر بزرگان «نظریه نخبگان»، چه کسی قدرت را اعمال می‌کند؟ (ص ۴۸)**

یک گروه منسجم که از نظر اجتماعی قابل تشخیص باشد، در یک جامعه معین بر اساس سودجویی و آگاهانه «قدرت» را اعمال می‌کند.

**سؤال ۷) از نظر مارکس و پیروانش چه کسانی قدرت را اعمال می‌کنند؟ (ص ۴۹)**

«قدرت» توسط طبقه‌ای اجتماعی که وسایل تولید را در جامعه کنترل می‌کند، اعمال می‌گردد.

**سؤال ۸) طبق نظریه کثرت‌گرایی «قدرت» را چه کسی اعمال می‌کند؟ (ص ۴۹)**

نه یک گروه نخبه معین و نه یک طبقه اجتماعی، هیچ کدام قدرت را در دست ندارند، بلکه قدرت توسط گروه‌های رقیب اعمال می‌گردد و در زمینه‌های گوناگون تغییر می‌کند.

**سؤال ۹) «قدرت» چگونه اعمال می‌شود؟ (ص ۴۹)**

شاید «قدرت» بیش از همه در ارتباط با زور یا اجبار فیزیکی در نظر گرفته شود، اما ممکن است بر منابع دیگری به‌ویژه ثروت، منزلت، دانش، کاریزما و اقتدار مبتنی باشد. در بسیاری موارد ممکن است قدرت بر بیش از یکی از این شالوده‌ها استوار باشد. قدرت همچنین ممکن است شکل‌های متفاوتی مانند اجبار، نفوذ و کنترل به خود بگیرد.

اجبار نه تنها شامل توسل به زور یا تهدید به آن، بلکه همچنین شامل اجحاف، باج‌گیری، سلب مالکیت و مصادره اموال و دارایی‌ها است.

نفوذ نه تنها شامل ترغیب عقلانی، احترام و حرمت‌گذاری، بلکه همچنین شامل ارتشا و فساد است.

کنترل شامل پذیرش این مسأله به هر دلیلی است که کسانی که درصدد اعمال قدرت هستند وسایل انجام این کار را دارند.

**سؤال ۱۰) سه شکل عمده اعمال قدرت را نام ببرید و توضیح دهید. (ص ۵۰)**

یک. قدرت سیاسی: ظرفیت برخی افراد در جامعه برای سازماندهی و تسلط بر همگان خود.

دو. قدرت اقتصادی: توانایی سازماندهی و توسعه منابع در جامعه.

سه. قدرت ایدئولوژیک: توانایی عقلانی کردن سازمان جامعه از طریق نظام‌های اعتقادی یا ارزشی.

### سؤال ۱۱) چرا «قدرت» اعمال می‌شود؟ (ص ۵۰)

«قدرت» ممکن است برای مقاصد فردی یا جمعی، برای هدف‌های سیاسی، اقتصادی یا ایدئولوژیک مورد استفاده واقع شود.

### سؤال ۱۲) قدرت «تواناسازنده» و قدرت «مانع‌شونده» از نظر هال کدام است؟ توضیح دهید. (ص ۵۰)

در مواردی که قدرت ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی در یک جهت حرکت می‌کنند، بسیار محتمل است که نیروی اجتماعی زیادی ایجاد شود که به دگرگونی جامعه منجر گردد. این نیرو را قدرت «توانا سازنده» می‌نامند. اما در مواردی که میان انواع مختلف «قدرت» تعارض وجود دارد، دگرگونی اجتماعی رخ نخواهد داد و کمتر محتمل خواهد بود که رخ دهد یا روی دادن آن بسیار کندتر خواهد بود؛ هال این پدیده را قدرت «مانع‌شونده» می‌نامد.

### سؤال ۱۳) اصطلاح سرکردگی را چه کسی به کار برده است؟ آن را توضیح دهید. (ص ۵۴)

آنتونیو گرامشی در نوشته‌های زمان زندانی بودنش در حکومت موسولینی بین سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۳۴ استدلال کرده است که بورژوازی کمتر از طریق زور و بیشتر با فراهم کردن رضایت از طریق استفاده از نهادهای فرهنگی به منظور تفوق جهان‌بینی خود، سلطه خود را بر جامعه برقرار می‌کند. وی اصطلاح «سرکردگی» را برای توصیف وضعیتی که در آن طبقه حاکم می‌توانست منافع خود را به منزله منافع جامعه به‌طور کلی جلوه دهد، به کار می‌برد.

### سؤال ۱۴) پاسخ هابز، روسو و جان‌لاک به این سؤال که «چرا باید افراد از حکومت اطاعت کنند؟»

چیست؟ (ص ۵۶)

یک. روسو (قرارداد اجتماعی): پاسخ ژان‌ژاک روسو در کتاب *قرارداد اجتماعی* این است «اراده عمومی» یا «خیر همگانی» می‌تواند از طریق دموکراسی مشارکتی مستقیم برآورده شود و از قوانینی که اراده عمومی را بیان می‌کنند باید اطاعت شود. چنین وضعیتی از طریق یک قرارداد اجتماعی میان همه افراد در جامعه به وجود می‌آید و حفظ می‌شود.

دو. هابز (سود همگانی): هابز و جان‌لاک هر دو استدلال کرده‌اند که به سود افراد است که به خاطر حفاظت خودشان سلطه حکومت را بپذیرند، اما در مورد شرایطی که در آن می‌توان یک حکومت را رد کرد اختلاف نظر داشتند. هابز تسلیم در برابر یک حاکم دارای قدرت مطلقه یا لیواتین را تنها وسیله اجتناب از حالت هرج و مرج و آشوب می‌دید. بدون حمایت یک حکومت قدرتمند، جامعه به حالتی از طبیعت بازمی‌گشت که در عبارتی مشهور توسط هابز «منزوی، فقیر، نکبت‌بار، حیوانی و کوتاه» توصیف گردیده است. تنها در صورتی که حاکم آشکارا از حمایت‌کردن کوتاهی می‌کرد ممکن بود وفاداری به جای دیگری انتقال یابد. بدین‌سان نظریه هابز، توجیه نهایی

دولت مطلقه و اقتدارگرا که هیچ‌گونه تعهدی را برای اجرای خواست‌های اتباعش دربرنمی‌گیرد، در نظر گرفته می‌شود.

سه. **جان لاک (رضایت همگانی):** لاک نیز حکومت را وسیله فراهم‌ساختن حمایت برای فرد در نظر می‌گرفت، اما دامنه حکومت به وسیله رضایت محدود بود. در حالی که از حکومت انتظار می‌رفت که نظم را حفظ کند، انتظار می‌رفت که از حقوق مدنی، آزادی و دارایی فرد نیز حمایت کند و کوتاهی در این کار، افراد را محقق می‌ساخت که رضایت خود را پس بگیرند و در صورت لزوم حکومت را سرنگون سازند.

**سؤال ۱۵) رابطه «مشروعیت» با «حقانیت» چگونه تحلیل می‌شود؟ (ص ۵۶)**

«مشروعیت» دادن حق حکومت به حکومت‌گران در اذهان «حکومت‌شوندگان» است. «حقانیت» داشتن حق حکومت به لحاظ منطق، عقل و علم است؛ چه مورد قبول مردم قرار گیرد و چه انکار کنند. پس «حقانیت» همان مشروعیت واقعی است، و «مشروعیت» یعنی مشروعیت بالفعل و در اذهان مردم.

**سؤال ۱۶) «اقتدار» را تعریف کنید. (ص ۵۸)**

قدرت مشروع را «اقتدار» گویند؛ یعنی قدرتی که نیاز به کاربرد زور برای وادار کردن به اطاعت از خود، ندارد.

**سؤال ۱۷) «اقتدار بالفعل» و «اقتدار مشروع» را تعریف کنید. (ص ۵۸)**

«اقتدار بالفعل» هنگامی وجود دارد که فرد یا گروهی از افراد، اعمال قدرت بر خودشان را می‌پذیرند و از دستورهای کسانی که دارای قدرت هستند، اطاعت می‌کنند. «اقتدار مشروع» یا «قانونی» زمانی وجود دارد که اعمال قدرت به منزله یک حق توسط کسانی که قدرت نسبت به آن‌ها اعمال می‌گردد، پذیرفته می‌شود و توجیه می‌گردد.

**سؤال ۱۸) نظر هابرماس و پولانزاس درباره ارتباط بین بحران‌های اقتصادی و مشروعیت نظام سرمایه‌داری**

**چیست؟ (ص ۶۱)**

نظام سرمایه‌داری برای دفع بحران‌های اقتصادی ناچار خواهد بود به مداخله فزاینده دولت متوسل شود. به نظر پولانزاس مداخله فزاینده دولت بیش از پیش موجب یکی انگاشتن دولت با منافع سرمایه‌داران خواهد گردید و بنابر این مشروعیت مردمی را که از طریق انتخابات دوره‌ای مدعی کسب آن است، تضعیف خواهد کرد. هابرماس می‌گوید که این‌گونه مداخله، یک سلسله بحران‌هایی از قبیل بحران اقتصادی، بحران عقلانیت، بحران انگیزش و بحران مشروعیت را ایجاد خواهد کرد.

**سؤال ۱۹) «مشروعیت» و «اطاعت» چه ارتباطی با هم دارند؟ (ص ۶۱)**

بدون «مشروعیت» اطاعت داوطلبانه صورت نمی‌گیرد مگر از روی اجبار. به هر میزان مشروعیت حکومتی نزد مردم بالاتر باشد، به همان میزان «اطاعت بارغبت» بیشتر صورت می‌گیرد. بالاترین مشروعیت در حکومت الهی و میان امام و مؤمنین است. حکومت فاقد مشروعیت مجبور به کاربرد زور است.

سؤال ۲۰) درباره جدول هلد چه می‌دانید؟ (ص ۶۲)

دیوید هلد زنجیره‌ای از فرمانبرداری و اطاعت را مطرح کرده است. این زنجیره از هفت طبقه تشکیل شده است. هلد مشروعیت را به طبقه‌های ششم و هفتم محدود می‌کند و طبقه پنجم را شکل ضعیفی از مشروعیت می‌داند. طبقات زنجیره هلد عبارتند از:

۱. پیروی از دستورها یا اجبار: هیچ گونه انتخابی وجود ندارد.
۲. سنت: هرگز درباره آن اندیشه نشده و ما آن را همان‌گونه انجام می‌دهیم که همیشه انجام شده است.
۳. بی‌تفاوتی: در هر صورت برای ما فرقی نمی‌کند.
۴. پذیرش مصلحت‌گرایانه: اگر چه این وضعیت برای ما مطلوب نیست، اما نمی‌توانیم وضعیتی را که واقعاً متفاوت باشد تصور کنیم. بنابراین آنچه مانند سرنوشت به نظر می‌رسد را می‌پذیریم.
۵. پذیرش ابزاری (رضایت مشروط): از وضعیت موجود ناراضی هستیم، اما با آن همراه می‌شویم تا هدفی را به دست آوریم. وضعیت را می‌پذیریم زیرا در دراز مدت به نفع ماست.
۶. موافقت هنجاری: در شرایطی که در برابر ماست و با اطلاعاتی که فعلاً در دسترس ماست، نتیجه‌گیری می‌کنیم که این کار برای ما به منزله یک فرد یا عضو گروه «درست»، «صحیح» و «شایسته» است. این کاری است که ما حقیقتاً باید و واجب است انجام دهیم.
۷. موافقت هنجاری آرمانی: آن چیزی است که در شرایط آرمانی - یعنی شرایطی که تمام دانش مورد نیاز و نیز همه فرصت‌های لازم برای کشف شرایط و نیازمندی‌های دیگران مهیاست - موافقت می‌کردیم که انجام دهیم.

## فصل چهارم: توزیع قدرت

سؤال ۱) از نظر افلاطون حکومت باید دست چه کسانی باشد؟ (ص ۶۴)

افلاطون معتقد بود که حقایق اخلاقی مطلق وجود دارد که انسان‌ها باید تلاش کنند به آن‌ها دست یابند، و این-که جامعه کاملی که از به‌کار بستن این‌گونه حقایق ناشی می‌شود تنها در جایی می‌تواند وجود داشته باشد که قدرت در دست «پادشاهان فیلسوفی» باشد که این حقایق را درک می‌کنند.

سؤال ۲) شکل‌های آرمانی و فاسد حکومت از نظر ارسطو کدام هستند؟ (ص ۶۴)

ارسطو حکومت یک فرمانروای واحد، عده‌ای معدود و مردم بسیار را در گونه‌های آرمانی و فاسد هر یک مطرح کرد. «پادشاهی» شکل آرمانی حکومت فرمانروای واحد، «جباریت» شکل فاسد آن، «حکومت اشرافی» شکل آرمانی فرمانروایی گروهی اندک، «الیگارشی» شکل فاسد آن، «حکومت جامعه منظم یا شهروندان مسئول» شکل آرمانی حکومت مردم بسیار، و «دموکراسی یا حکومت مردم بی‌سروپا» شکل فاسد آن است.

اکثریت	چندنفره	یک‌نفره	شکل آرمانی
پلیتی (شهروندان مسئول)	آریستوکراسی (اشراف)	مونارشی (پادشاهی)	شکل آرمانی
دموکراسی (مردم بی‌سروپا)	الیگارشی	تیرانی (جباریت)	شخصی

سؤال ۳) از نظر اسلام، بهترین شکل حکومت کدام است؟ (این سؤال توسط استاد طرح گردید.)

حکومت یک فقیه جامع‌الشرایط همراه با شهروندان مسئول که بین آن‌ها رابطه ولایی برقرار است.

سؤال ۴) نظرات جدید درباره «توزیع قدرت» را نام ببرید. (ص ۶۵)

نظریه نخبگان، کثرت‌گرایی، توتالیتاریسم، دموکراسی.

سؤال ۵) خلاصه «نظریه نخبگان» را بیان کنید؟ (ص ۶۶)

جان کلام نخبگان این است که «در هر جامعه‌ای ممکن است اقلیتی وجود داشته باشد که تصمیمات عمده را

در جامعه می‌گیرند».

**سؤال ۶) نظریه پردازان «نظریه نخبگان» درباره «دموکراسی» چه عقیده‌ای دارند؟ (ص ۶۶)**

نظریه‌پردازان «نظریه نخبگان» تا اندازه زیادی ضد دموکراتیک هستند، چون استدلال می‌کنند که «نظریه دموکراتیک» مغایر با واقعیت است و «دموکراسی» عملاً شکل ذاتاً ضعیفی از حکومت است. موسکا در عباراتی که فراوان نقل شده است، اصل اساسی نظریه‌پردازان «نظریه نخبگان» را به روشنی بیان کرده است: «در همه جوامع از جوامعی که بسیار کم توسعه یافته‌اند، گرفته تا پیشرفته‌ترین جوامع، دو طبقه از مردم به چشم می‌خورند: طبقه‌ای که حکومت می‌کند و طبقه‌ای که تحت سلطه است».

وی سپس چنین توضیح می‌دهد: «طبقه نخست که تعدادش همیشه کمتر است، تمام وظایف سیاسی را انجام می‌دهد، قدرت را در انحصار خود دارد و از مزایایی که قدرت به همراه می‌آورد بهره‌مند می‌گردد؛ حال آن‌که طبقه دوم که تعدادش بیشتر است، توسط طبقه نخست و به شیوه‌ای که گاهی کم‌ویش قانونی است و گاهی مستبدانه و خشن است، اداره و کنترل می‌شود و برای طبقه نخست - دست‌کم در ظاهر- وسایل مادی زیست و وسایلی را که برای ادامه حیات نظام سیاسی ضروری است، فراهم می‌سازد».

**سؤال ۷) طبق «نظریه نخبگان»، ویژگی طبقه نخبگان را برشمارید. (۳ ویژگی) (ص ۶۶)**

۱. گروه مسلط یا نخبه از وجود خود آگاه است.
۲. در رفتارش منسجم است.
۳. دارای احساس مشترکی از هدف است.

**سؤال ۸) طبق رویکرد سازمانی موسکا، چگونه «نخبگان» همواره حاکم هستند؟ (ص ۶۷)**

«اقلیت سازمان یافته» همیشه بر «اکثریت کم‌تر سازمان یافته» یا «سازمان نیافته» در جامعه پیشی می‌جوید. موسکا «نخبگان» را به قشرهای بالا و پائین تقسیم می‌کند که قشر بالایی شامل گروه کوچکی از تصمیم‌گیرندگان سیاسی است و قشر پائینی نقش‌های رهبری کوچک‌تری ایفا می‌کند، مانند رهبران عقاید و فعالان سیاسی.

**سؤال ۹) طبق رویکرد سازمانی موسکا، رابطه نخبگان و بقیه جامعه چگونه خواهد بود؟ (ص ۶۷)**

رابطه بین نخبگان (طبقه حاکم) و بقیه جامعه بر حسب «اقتدار» و «گزینش نخبگان» سنجیده می‌شود و طبق دو گروه متغیّر فرق می‌کند.

رابطه «اقتدار» یا به «اصل استبدادی» بستگی دارد که در آن «اقتدار» از «نخبگان» به «توده‌ها» جریان می‌یابد، یا به «اصل آزادی» که در آن «اقتدار» از «توده‌ها» به «نخبگان» جریان می‌یابد.

«گزینش» به گرایش دوگانه مشابهی بستگی دارد: گرایش «اشراف‌سالارانه» که در آن حرکت به درون گروه نخبه محدود می‌شود و از «قشر پائینی» به «قشر بالایی» حرکت می‌کند، و گرایش «مردم‌سالارانه» که در آن حرکت از «توده‌ها» به درون «گروه نخبه» است.

### سؤال ۱۰) «انقلاب» در نظریه موسکا چگونه تحلیل می‌شود؟ (ص ۶۸)

اگر در کارهای اداری و بوروکراسی تنها نخبگان گزینش شوند، ممکن است توده‌ها یا غیرنخبگان به قدری ناخرسند و بیگانه شوند که گروه نخبه را سرنگون سازند، اما در این گونه موارد ممکن است یک اقلیت سازمان‌یافته در درون غیرنخبگان مسئولیت را به دست گیرد و در هر صورت یک اقلیت سازمان‌یافته به سرعت طبقه حاکم جدیدی را تشکیل خواهد داد.

### سؤال ۱۱) در نظریه میشلز، رهبران احزاب چگونه دموکراسی را به الیگارش‌ی تبدیل می‌کنند؟ (ص ۶۹)

میشلز به این نتیجه رسیده بود که سازمان نتیجه اجتناب‌ناپذیر وسعت و پیچیدگی فعالیت انسانی است. سازمان به محض این‌که تأسیس می‌گردد، تحت سلطه رهبرانش در می‌آید: «هر که می‌گوید سازمان، می‌گوید الیگارش‌ی». احزاب سیاسی برای این‌که به‌طور موفقیت‌آمیزی در شرایط جدید انتخاب‌کنندگان انبوه، فعالیت کنند، برای گردآوری منابع مالی، انتشار سیاست‌ها و مهم‌تر از همه مبارزات انتخاباتی نیاز به اعضای انبوه دارند. میشلز با این استدلال که احزاب اساساً وسیله‌ای برای به دست آوردن قدرت و حفظ قدرت هستند، می‌گوید که آن‌ها برای این کار نیاز به تعدیل ایدئولوژی‌ها و سیاست‌های خود به منظور جلب حمایتی فراتر از محدوده فعالان حزبی‌شان دارند. ابتکار در تمام این زمینه‌ها تا اندازه زیادی در دست رهبری حزب است و آن‌ها و بوروکرات‌های حزب و نمایندگان دستگاه قانون‌گذاری مزیت سازمانی آشکاری نسبت به اعضای عادی حزب دارند. این مزیت به وسیله یک عامل روان‌شناختی تقویت می‌گردد. بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی اکثر مردم که اساساً بی‌اطلاع از سیاست هستند، مگر هنگامی که مستقیماً بر منافع‌شان تأثیر بگذارد.

### سؤال ۱۲) واژه‌های «نخبگان حاکم» و «نخبگان غیرحاکم» را شرح دهید. (ص ۷۰)

از نظر پاره‌تو تمام کسانی که دارای ویژگی‌های خاصی از نظر خانوادگی، تحصیلی، فردی و ... بوده و دارای موقعیت رهبری جامعه باشند، «نخبگان» محسوب می‌شوند. در میان این افراد، کسانی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در تصمیمات سیاسی جامعه، نقش‌آفرینی می‌کنند را «نخبگان حاکم» و کسانی را که بیرون از دایره تصمیم‌گیری سیاسی قرار دارند را «نخبگان غیرحاکم» می‌نامد.

### سؤال ۱۳) نظریه نخبگان پاره‌تو را شرح دهید. (ص ۷۰)

پاره‌تو آشکارا این مفاهیم مارکسیستی را که گروه مسلط در جامعه محصول نیروهای اقتصادی یا در واقع نیروهای اجتماعی است را رد می‌کند و می‌گوید که «گروه نخبه از ویژگی‌های انسانی، از توانایی‌ها و از گزینه‌های فردی ناشی می‌شود».

به نظر پاره‌تو انسان‌ها به‌طور منطقی رفتار نمی‌کنند، بلکه می‌کوشند کنش‌های خود را به‌طور منطقی از طریق ایدئولوژی‌ها یا ارزش‌ها که پاره‌تو آن‌ها را «اشتهاق‌ها» می‌نامد، توجیه کند. این ارزش‌ها یا اشتقاق‌ها، غرایز یا حالات ذهنی‌ای ایجاد می‌کنند که پاره‌تو آن‌ها را «باقی‌مانده‌ها» می‌نامد و این‌ها هستند که اساس فعالیت انسانی را

تشکیل می‌دهند. پاره‌تو باقی مانده‌ها را به دو نوع «غرایز ترکیب» و «ماندگاری انبوه‌ها» تقسیم می‌کند. اولی شامل استفاده از اندیشه و تخیل است و به کسانی که بر این اساس عمل می‌کنند، عنوان «روباه» می‌دهد و دومی بر دوام، ثبات و نظم تأکید می‌کند و کسانی که بر این اساس عمل می‌کنند را «شیر» می‌نامد.

پاره‌تو تصدیق می‌کند که گروه نخبه آرمانی «روباه‌ها» و «شیرها»ی او به ندرت تحقق می‌یابد و توازن میان این دو تغییر می‌کند، به طوری که یک «گردش نخبگان» وجود دارد. بنابر این «روباه‌ها» جانشین «شیرها» و «شیرها» جانشین «روباه‌ها» می‌شوند، اما «روباه‌ها» به تدریج جای «شیرها» را می‌گیرند، در صورتی که «شیرها» ناگهان جای «روباه‌ها» را می‌گیرند.

#### سؤال ۱۴) تفاوت نظریه پاره‌تو و موسکا در چیست؟ (ص ۷۱)

پاره‌تو با موسکا و دیگر نظریه‌پردازان نخبگان از این جهت متفاوت است که «انسجام گروهی» و «هدف مشترک» در میان نخبگان را نمی‌پذیرد، بلکه استدلال می‌کند که افراد به صورت فردی عمل می‌کنند و به این دلیل، اغلب نمی‌توانند نتایج اعمال خود و نیز کنش‌های دیگران را پیش‌بینی کنند.

#### سؤال ۱۵) نظریه برنهام را شرح دهید؟ (ص ۷۱)

در نظریه برنهام قدرت از آن کسانی است که دارای قدرت اقتصادی و قدرت اداری هستند، کسانی که دارای ثروت یا تخصص اداری هستند، زیرا دولت مدرن بر اساس نیاز به متخصصین اداری و ثروت مالیات دهندگان برپا است.

#### سؤال ۱۶) طبق نظریه نخبگان چه کسانی برای موقعیت‌های معینی در جامعه گزینش می‌شوند؟ دو ویژگی

نام ببرید. (ص ۷۲)

نخبگان از نظر شرایط اجتماعی و اقتصادی نمایای مردمی نیستند که از میانشان برگزیده می‌شوند. با استثنای اندکی آن‌ها معمولاً از رده‌های بالای جامعه برحسب تحصیلات، شغل، درآمد و پایگاه اجتماعی - اقتصادی برگزیده می‌شوند.

دیگر این‌که نخبگان کسانی هستند که از موقعیت‌های معینی در جامعه برخوردارند و عملاً اعمال قدرت می‌کنند و همه تصمیمات توسط آن‌ها گرفته می‌شود.

#### سؤال ۱۷) طبق نظریه نخبگان، نخبگان سیاسی چگونه گزینش می‌شوند؟ (ص ۷۳)

معمولاً و اکثر اوقات با توجه به موقعیت شغلی، تحصیلی، خانوادگی و وابستگی حزبی گزینش‌کنانیدها توسط اقلیت کوچکی از رهبران و فعالان حزبی صورت می‌گیرد.



### سؤال ۱۸) در نظریه کثرت‌گرایان، توزیع قدرت را به اختصار شرح دهید. (ص ۷۵)

نظریه کثرت‌گرایی، کارش را با نقد نظریه نخبگان شروع کرد؛ با این استدلال که اولاً گروه فرضی نخبه به خوبی تعریف نشده است و ثانیاً ترجیحات و خواسته‌های گروه نخبه پیوسته غالب نیست و ثالثاً تصمیمات سیاسی همواره طبق خواسته‌های گروه نخبه حاکم نسبت به گروه‌های دیگر گرفته نمی‌شود. پس ملاک توزیع قدرت بر اساس تضاد منافع یا کثرت منافع صورت می‌گیرد و صاحبان این منافع در توانایی برای تأثیرگذاران در تصمیمات نابرابرند، که در قالب یک برنامه منسجم سازمانی بر اساس چانه‌زنی از بالا و فشار از پایین قدرت را در دست می‌گیرند.

کثرت‌گرایان چنین نظامی را «چندسالاری» توصیف می‌کنند. در جامعه چندسالاری یک وفاق اساسی درباره شکل جامعه و ساختارهای سیاسی آن وجود دارد و جامعه در عین حال دارای گروه‌های ذی‌نفع رقیب هستند که هر گروه توسط یک اقلیت که ممکن است شامل نخبگان سیاسی یا نخبگان اقتصادی یا صاحب‌منصبان سیاسی باشند، رهبری می‌شود.

### سؤال ۱۹) نقد نظریه کثرت‌گرایی را شرح دهید. (ص ۷۷)

اولاً مفهوم سازمان‌یافتگی گروه‌ها در این نظریه به مفهوم سازمان‌یافتگی موسکا و میشلز نزدیک می‌شود. ثانیاً این نظریه از مطالعه یک شهر از آمریکا گرفته شده و تطبیق آن بر دیگر شهرها ممکن نیست. ثالثاً کثرت‌گرایان تنها تصمیمات قابل مشاهده را بررسی کرده‌اند، در حالی که تصمیمات لایه دوم و سوم که پنهان است (منافع شخصی) را نادیده گرفته‌اند.

در حقیقت آنچه عامه مردم را پشت سر اقلیتی خاص قرار می‌دهد اشتراک منافع واقعی نیست، بلکه این اقلیت هستند که با کمک رسانه‌ها منافع خود را منافع جمع قلمداد می‌کنند و مردم از منافع واقعی خود بی‌خبر می‌مانند زیرا رسانه‌ها واقعیت را «غلط» وانمود می‌کنند. به این ترتیب ادراک افراد در اعمال سیاسی آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ یا این‌که منافع جمع را برای خود نیز صورتاً تعریف می‌کنند اما بعد از به‌دست‌گرفتن قدرت، منافع شخصی و حزبی خود را با استفاده از اهرم‌های خاصی که از دید مردم مخفی است دنبال می‌کنند.

### سؤال ۲۰) توتالیتراریسم چیست؟ (ص ۷۹)

رژیمی که تمامی قدرت در انحصار یک فرد یا گروه کوچک یا حزب خاصی متمرکز گردد.

### سؤال ۲۱) ویژگی‌های توتالیتراریسم را برشمارید. (ص ۸۰)

۱. قدرت به لحاظ زمانی نامحدود و استفاده از آن به شیوه مستبدانه تیرانی است و عدم اطاعت از آن خطر مجازات و مرگ را به دنبال دارد.
۲. قدرت پلیسی بر پایه ترور و وحشت بنا شده است.
۳. انحصار تمام وسایل ارتباطی (صداوسیما، روزنامه، نامه‌ها) در راستای توجیه حاکمیت است.

۴. انحصار اقتصاد کشور در یک نفر یا یک حزب.

۵. گسترش شبکه خبرچینان و جاسوسی از شهروندان حتی درون خانه‌ها.

۶. ایجاد جوئی از سوءظن و ترس و وحشت در جامعه.

۷. کنترل شدید پلیسی توسط پلیس مخفی مانند ساواک.

**سؤال ۲۲) تفاوت «جامعه اسلامی» با «توتالیترسیم» چیست؟ (این سؤال توسط استاد طرح گردید.)**

۱. مردم و احزاب دارای جایگاه مهمی در جامعه اسلامی هستند.

۲. اصلاحات توسط عامه مردم و نخبگان با همکاری یکدیگر انجام می‌شود.

۳. ایدئولوژی جامعه اسلامی به خواسته رهبر نیست بلکه مدون و معقول است.

۴. ایدئولوژی توسط رهبر و حزب تعیین نمی‌شود بلکه توسط خداوند قبلاً وجود داشته است.

۵. مؤاخذه افراد بدون احراز جرم ممنوع است. هم‌چنین ترور و ایجاد وحشت نیز ممنوع می‌باشد و در احکام

جزایی اسلام برای آن، مجازات در نظر گرفته شده است.

۶. قدرت پلیس بر پایه احترام به مردم و نشأت گرفته از مردم است.

۷. اقتصاد خصوصی مجاز است و در انحصار دولت نیست.

۸. وفاق عمومی اجباری نیست، بلکه مشارکتی است.

**سؤال ۲۳) تعریف دموکراسی از نظر آبراهام لینکن را ذکر کنید. (ص ۸۹)**

آن‌چه تقریباً به طور مسلم مشهورترین تعریف دموکراسی است، همان است که آبراهام لینکن در خطابه خود در

گتیسبرگ ابراز کرد. «حکومت مردم، به وسیله مردم و برای مردم.»

**سؤال ۲۴) افلاطون و ارسطو درباره دموکراسی چه دغدغه‌هایی داشتند؟ (ص ۸۹)**

از نظر تاریخی دموکراسی را می‌توان در یونان جستجو کرد، اما نه افلاطون و نه ارسطو نظر مساعدی نسبت به

آن نداشتند. افلاطون از عوام‌فریبی بیم داشت که آن را در ارتباط با دموکراسی در نظر می‌گرفت؛ و ارسطو

دموکراسی را شکل فاسد حکومت انبوه مردم می‌دانست، هرچند که شکل آرمانی جامعه سازمان‌یافته یا شهروندان

مسئول با اندیشه‌های نوین دموکراسی وجه اشتراک زیادی دارد.

**سؤال ۲۵) انواع دموکراسی را نام برده و شرح دهید. (ص ۹۰)**

دموکراسی دو نوع دارد: مستقیم و غیرمستقیم (نمایندگی)

دموکراسی مستقیم فقط در اجتماعات کوچک امکان‌پذیر است و دموکراسی غیرمستقیم دموکراسی واقعی نیست

زیرا افرادی به نام نماینده مردم اعمال قدرت می‌کنند و مردم نقش مستقیم در حکومت ندارند.

سؤال ۲۶) نظریه جان لاک و روسو در تشریح مبانی دموکراسی بر چه مبانی استوار است؟ (ص ۹۰)  
نظریه جان لاک در تشریح مبانی دموکراسی بر اصل «رضایت عمومی» و نظریه روسو بر «قرارداد اجتماعی» استوار است.

سؤال ۲۷) دو روری سکه دموکراسی را نام برده و شرح دهید. (ص ۹۰)  
«رضایت عمومی» و «کنترل عمومی» دو روی سکه دموکراسی هستند و دموکراسی با دامن زدن به هر کدام، نسبت به دیگری دچار اشکال خواهد شد.

سؤال ۲۸) ویژگی‌های دموکراسی را نام ببرید. (این سؤال توسط استاد طرح گردید.)  
۱. رأی‌گیری و انتخابات آزاد به صورت دوره‌ای وجود داشته باشد.  
۲. تشکیل و فعالیت احزاب مختلف آزاد باشد.  
۳. قوای سه‌گانه مستقلانه عمل کنند.  
۴. محور فعالیت‌های سیاسی «قانون اساسی» باشد.  
۵. احترام به حقوق شهروندی مثل آزادی‌های اساسی (آزادی عقیده، اجتماعات و مطبوعات) در آن وجود داشته باشد.

سؤال ۲۹) مشکلات دموکراسی را نام ببرید. (ص ۹۰)  
۱. استبداد اکثریت بر اقلیت.  
۲. حاکمیت اکثریت جاهل تحت تأثیر رسانه‌های جمعی.  
۳. تحمیل هزینه‌های گزاف انتخاباتی بر جامعه.  
۴. حاکمیت اقلیت صاحب پول و رسانه.  
۵. تصمیم‌گیری اقلیتی از نمایندگان به نام اکثریت و نبود تضمین برای عمل به خواسته‌های رأی‌دهندگان.  
۶. عدم امکان عزل نماینده در صورت عمل کردن برخلاف منافع رأی‌دهندگان.  
۷. عدم امکان شناخت دقیق مردم از کاندیداها به دلیل ریاکاری، پیچیده بودن شخصیت انسان، خودسانسوری.  
۸. رواج تخلفات انتخاباتی در همه انتخابات‌ها.  
۹. پایمال شدن حقوق تهیدستان به دلیل آزادی اقتصادی.  
۱۰. ضعیف بودن کنترل اجتماعی.

سؤال ۳۰) اصول دموکراسی در تعریف جدید آن چه می‌باشد؟ (تعریف مارکسیستی از دموکراسی)  
۱. تحمّل عقاید اقلیت.  
۲. عدالت اقتصادی.

۳. ثبات و امنیّت.

۴. رعایت حقوق سیاسی اقتصادی و اجتماعی افراد .

۵. ملاک بودن قضاوت ارزشی مردم. (یعنی مردم چه چیزی را درست می‌دانند.)

## فصل پنجم: اجتماعی شدن سیاسی

سؤال ۱) «اجتماعی شدن» را تعریف کنید. (ص ۹۹)

به فرآیند «آموزش رفتار اجتماعی» گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

سؤال ۲) «اجتماعی شدن سیاسی» را تعریف کنید. (ص ۱۰۲)

به فرآیند «آموزش»، «خوگرفتن» و «آشنا شدن افراد به نظام سیاسی خاص» گفته می‌شود.<sup>۲</sup>

سؤال ۳) تعریف فرد گریشتاین از «اجتماعی شدن سیاسی» را بنویسید. (ص ۱۰۲)

«القای عمدی اطلاعات، ارزش‌ها و شیوه‌های عملی سیاسی به وسیله عوامل نهادی‌ای که رسماً این مسئولیت به آن‌ها داده شده‌است» و «تمام یادگیری سیاسی، رسمی و غیررسمی، عمدی و برنامه‌ریزی نشده در هر مرحله از دوره زندگی، شامل یادگیری آشکار سیاسی و هم یادگیری ظاهراً غیرسیاسی، ویژگی‌هایی که از نظر سیاسی ذی‌ربط هستند».

سؤال ۴) اجتماعی شدن در سخنان لنین و هیتلر را بیان کنید. (ص ۱۰۳)

لنین: تنها با تغییر شکل اساسی آموزش، سازماندهی و تربیت جوانان خواهیم توانست تضمین کنیم که نتایج تلاش‌های نسل جوان، ایجاد جامعه‌ای متفاوت با جامعه قدیم، یعنی جامعه‌ای کمونیستی باشد. (سخنرانی لنین برای اتحادیه جوانان کمونیست، ۲ اکتبر ۱۹۲۰)

هیتلر: هنگامی که یکی از مخالفان اعلام می‌کند: «من در کنار شما قرار نخواهم گرفت» من به آرامی می‌گویم: «فرزند شما هم‌اکنون به ما تعلق دارد ... شما چه هستید؟ شما در می‌گذرید، اما فرزندان شما اکنون در اردوی

۱. تعریف وایت از اجتماعی شدن این چنین است: «فرآیند طولانی و پیچیده‌ای از یادگیری زندگی کردن در جامعه».

مایکل راش، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری (تهران: سمت، ۱۳۷۷) ص ۹۹

۲. اجتماعی شدن را می‌توان فرآیندی تعریف کرد که به وسیله آن، افراد در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و تا اندازه قابل توجهی ادراکشان از سیاست و و کنش‌هایشان نسبت به پدیده‌های سیاسی تعیین می‌شود.

مایکل راش، همان، ص ۱۰۲

جدید قرار دارند. در زمانی کوتاه آنها هیچ چیز دیگری را به جز این اجتماع جدید را نخواهند شناخت».  
(سخنرانی هیتلر، ۶ نوامبر ۱۹۳۳)

ما تزریق روح این اجتماع را از سنین بسیار پائین در جوانانمان، وظیفه خودمی‌دانیم ... و این آرایش جدید جوانان خود را به هیچ‌کس نخواهد داد، بلکه خود به جوانان روی می‌آورد و آموزش و تربیت خود را به آنان القاء می‌کند. (سخنرانی هیتلر، ۱ مه ۱۹۳۷)

### سؤال ۵) فرهنگ سیاسی چیست؟ (ص ۱۰۵)

تعریف استاد: «مجموعه‌ای از ارزش‌های سیاسی، هنجارهای سیاسی، عقاید و باورهای سیاسی و نمادهای سیاسی که نوع درست حکومت را به مردم جامعه دیکته می‌کند».  
تعریف آلموندو پاول: «الگوی نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام سیاسی».<sup>۳</sup>

### سؤال ۶) انواع فرهنگ سیاسی را نام برده و شرح دهید. (ص ۱۰۵)

سه نوع فرهنگ سیاسی مطرح شده است:

۱. فرهنگ سیاسی کوتاه‌بینانه: فرهنگ سیاسی کوتاه‌بینانه با آگاهی اندک از حکومت، انتظارات اندک از حکومت و میزان مشارکت سیاسی اندک مشخص می‌گردد.
۲. فرهنگ سیاسی ذهنی: فرهنگ سیاسی ذهنی با میزان آگاهی و انتظار بالاتر، اما میزان مشارکت اندک مشخص می‌گردد.
۳. فرهنگ سیاسی مشارکتی: فرهنگ سیاسی مشارکتی با میزان آگاهی، انتظار و مشارکت زیاد مشخص می‌گردد.

### سؤال ۷) چه ارتباطی میان «اجتماعی شدن» و «فرهنگ سیاسی» وجود دارد؟ (ص ۱۰۶)

«اجتماعی شدن سیاسی» مترادف با «فرهنگ سیاسی» نیست، بلکه «فرهنگ سیاسی» را باید نتیجه «اجتماعی شدن» سیاسی دانست. این بدان معنا می‌باشد که اجتماعی شدن سیاسی باید به گونه‌ای گسترده‌تر وسیله‌ای تعریف شود که به کمک آن افراد، معرفت سیاسی یا اطلاعات، ارزش‌های سیاسی یا باورهای اساسی و نگرش‌های سیاسی یا عقایدی را درباره موضوعات معینی کسب می‌کنند.

### سؤال ۸) سه عامل اصلی اجتماعی شدن را نام ببرید و شرح دهید. (ص ۱۰۷)

خانواده، گروه‌های همالان، رسانه‌های همگانی.

۳. مایکل راش، همان، ص ۱۰۵

سؤال ۹) دو متغیر اصلی در فرآیند «اجتماعی‌شدن سیاسی» کدامند؟ شرح دهید. (ص ۱۰۷)

دو متغیر مستقل «تجربه» و «شخصیت فرد» رابطه نزدیکی با فرآیند اجتماعی‌شدن دارند و این متغیرها با متغیرهای دیگر، دارای کنش متقابل هستند و سرنودی ادراکی را به وجود می‌آورند که فرد از طریق آن نسبت به پدیده‌ها و انگیزه‌های سیاسی خارجی واکنش نشان می‌دهد و در موارد مناسب به فعالیت سیاسی می‌پردازد. ممکن است در برخی موارد رفتار مناسب شرکت نکردن در فعالیت سیاسی باشد.

سؤال ۱۰) مراحل اجتماعی‌شدن کودک را در نظریه ایستن و دنیس شرح دهید. (ص ۱۰۹)

نتیجه پژوهش این دو این بود که: کودکان در مرحله اول وجود اقتدار را تشخیص می‌دهند، یعنی کسی را که حق داشت فرمان صادر کند مانند پدر و مادر، پلیس، معلم و از نظر سیاسی رئیس جمهور، اما به مرور آنها از تمایز بین اقتدار درونی یا خصوصی پدر و مادر و معلم و اقتدار بیرونی یا عمومی پلیس و رئیس جمهور آگاه می‌گردیدند. به دنبال آن پی می‌بردند که نهادهای سیاسی غیرشخصی مانند کنگره، دستگاه قانون‌گذاری و دیوان عالی و فرآیندهایی مانند رأی‌دادن وجود دارند. سرانجام، این آگاهی به دست می‌آید که تمایزی میان این‌گونه نهادها و فرآیندها و افرادی وجود دارد که در آنها دخیل هستند یا آنها اداره می‌کنند - این که در نهایت نهادها دیرپای‌تر و فراتر از افراد هستند - به طوری که تصویرهای ذهنی آرمانی شده افراد خاص، مانند رئیس جمهور یا یک سناتور، به ریاست جمهوری یا کنگره انتقال داده می‌شود.

سؤال ۱۱) مراحل زمانی اجتماعی‌شدن سیاسی را شرح دهید. (ص ۱۱۰)

مرحله اول کودکی و نوجوانی است که شروع اجتماعی‌شدن سیاسی است و معمولاً تحت تأثیر دیگران قرار دارد؛ مرحله دوم مرحله جوانی است که قوام یافته است اما ممکن است تغییر کند؛ و مرحله سوم دوره بزرگسالی است که کمتر تغییر می‌کند و بیشتر تأثیرگذار است.

سؤال ۱۲) سایر عوامل اجتماعی‌شدن و آموزش فرهنگ سیاسی را نام برده و شرح دهید. (ص ۱۱۴)

گروه‌های همالان، گروه‌های کار، گروه‌های فراغت، گروه‌های مذهبی و رسانه‌ها.

سؤال ۱۳) منابع آموزشی فرهنگ سیاسی را نام برده شرح دهید. (ص ۱۱۴)

بسیاری از تحقیقات در مورد اجتماعی‌شدن به‌طور کلی و به‌ویژه اجتماعی‌شدن سیاسی بر دوران کودکی متمرکز گردیده‌اند و تأکید قابل ملاحظه‌ای بر نقش خانواده و مدرسه به منزله عوامل اجتماعی‌شدن کرده‌اند؛ اما دیدگاه گسترده‌تر اجتماعی‌شدن استدلال می‌کند که هرچند خانواده و مدرسه ممکن است مهم باشند، ولی عوامل دیگری نیز وجود دارند (مانند گروه‌های همالان، گروه‌های کار، گروه‌های فراغت، گروه‌های مذهبی و رسانه‌ها). اگر این مسأله که پارامترهای اساسی رفتار در طی دوران کودکی و تا اندازه کمتری در دوره نوجوانی شکل می‌گیرند

درست باشد، در آن صورت خانواده و مدرسه ممکن است مهم‌ترین عوامل اجتماعی‌شدن در بیش‌تر جوامع مدرن باشند.

#### سؤال ۱۴) از چه وسایلی اجتماعی‌شدن صورت می‌گیرد؟ (ص ۱۱۶)

وسایلی که از طریق آن‌ها اجتماعی‌شدن صورت می‌گیرد به سه دسته تقسیم می‌شوند:  
**تقلید:** نسخه‌برداری از رفتار افراد یا گروه‌های دیگر است و به‌طور کلی بیش‌تر از همه در دوران کودکی اهمیت دارد.

**آموزش:** یادگیری عمدی رفتار مناسب از طریق تحصیلات رسمی (بیش‌تر) و از طریق گروه‌های بحث و مطالعه و فعالیت‌های دیگر مانند کارآموزی حرفه‌ای است (کم‌تر).

**انگیزش:** یادگیری رفتار مناسب به‌وسیله تجربه و از طریق فرآیند آزمایش و خطاست.  
 آموزش بیش از همه در دوره کودکی و نوجوانی مهم است، اما ممکن است هر از چندگاه در بزرگسالی نیز مهم باشد، در حالی که انگیزش در تمام دوره زندگی معمول است.

#### سؤال ۱۵) چه ارتباطی میان «مشروعیت» و «اجتماعی‌شدن سیاسی» وجود دارد؟ (ص ۱۱۸)

پاسخ استاد: «مشروعیت» نتیجه «اجتماعی‌شدن سیاسی» است، به‌طوری‌که افراد از طریق اجتماعی‌شدن سیاسی یاد می‌گیرند که بهترین حکومت، حکومت موجود است.

پاسخ کتاب: مساله پایایی جامعه برای نظریه اجتماعی‌شدن دارای اهمیت اساسی است، زیرا به‌طور مستدل انتقال دانش، ارزش و نگرش از یک نسل به نسل دیگر است که توانایی یک نظام سیاسی را برای بقا از طریق پذیرش گسترده آن در جامعه و دست‌یافتن به مشروعیت و حفظ آن تبیین می‌کند.

#### سؤال ۱۶) چه انتقاداتی بر نظریه اجتماعی‌شدن سیاسی وارد است؟ (ص ۱۲۱)

انتقادات بر نظریه اجتماعی‌شدن سیاسی عبارتند از:

۱. در اهمیت اجتماعی‌شدن افراط شده است، زیرا توان دولت‌ها در تغییرات فرهنگ سیاسی که نوع باور مردمی را درباره مشروعیت نظام یا نظام سیاسی مطلوب، تغییر دهد محدود است.
۲. اجتماعی‌شدن فرآیندی است که مثل فرهنگ سیاسی در طول تاریخ شکل می‌گیرد. لذا برنامه‌ریزی برای اجرای آن زمان‌بر است.
۳. تغییر فرهنگ جوامع کار آسانی نیست. فقط می‌توان فرهنگ قوی را تبلیغ کرد، زیرا مردم فرهنگ ضعیف را نمی‌پذیرند. اجتماعی‌شدن در موارد خلاف فطرت موقتی خواهد بود.
۴. باتوجه به شخصیت فرد و انگیزش‌های او برنامه‌ریزی برای اجتماعی‌شدن مجدد سیاسی ممکن است کاملاً مطلوب افراد نباشد. بلکه گاهی تنها بر ۲۵٪ مردم تأثیر دارد.
۵. معمولاً فضای اجتماعی‌شدن سیاسی داخلی تحت تأثیر تبلیغات بیرونی قرار می‌گیرد و مختل می‌شود.



## فصل ششم: مشارکت سیاسی

سؤال ۱) «مشارکت سیاسی» را تعریف کنید. (ص ۱۲۳)

«مشارکت سیاسی» درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است.

سؤال ۲) نوع و کیفیت مشارکت سیاسی در نظریه نخبگان و کثرت‌گرایی و نظریه تشیع را با یکدیگر مقایسه کنید. (ص ۱۲۳)

نظریه نخبگان مشارکت سیاسی قابل توجه را به نخبگان محدود می‌کند و توده‌ها را عمدتاً غیرفعال یا آلت دست نخبگان می‌داند.

در نظریه کثرت‌گرایی مشارکت سیاسی کلید رفتار سیاسی است از این جهت که عامل مهمی است در تبیین توزیع قدرت و تعیین سیاستها.

اما در نظریه تشیع مشارکت سیاسی به عنوان یک تکلیف دینی هم برای نخبگان و هم برای توده‌های مردم معرفی می‌شود.

سؤال ۳) سه جنبه مشارکت سیاسی را نام برده و منظور از هر کدام را بنویسید. (ص ۱۲۴)

۱. شیوه مشارکت: به این معنی که مشارکت چه شکلی به خود می‌گیرد؟ آیا رسمی است یا غیررسمی؟ شیوه مشارکت برطبق فرصت، میزان علاقه، منابع در دسترس فرد و نگرش‌های رایج نسبت به مشارکت در جامعه مربوط می‌شود و نسبت به این که مشارکت تشویق می‌شود یا نمی‌شود فرق خواهد کرد.

۲. شدت مشارکت: سنجش تعداد افرادی است که در فعالیت‌های سیاسی معین شرکت می‌کنند و نیز تعداد دفعات مشارکت آنها، که باز ممکن است برطبق فرصت‌ها و منابع فرق کند.

۳. کیفیت مشارکت: میزان اثربخشی که در نتیجه مشارکت به دست می‌آید و سنجش تأثیر آن بر کسانی که قدرت را اعمال می‌کنند و به سیاست‌گذاری مربوط می‌شود. این نیز برطبق فرصت‌ها و منابع از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از موردی به مورد دیگر فرق می‌کند.

سؤال ۴) سلسله مراتب مشارکت سیاسی را برشمارید. (ص ۱۲۶)

۱. داشتن مقام سیاسی یا اداری
۲. جستجوی مقام سیاسی یا اداری
۳. عضویت فعال در یک سازمان سیاسی
۴. عضویت فعال در یک سازمان شبه‌سیاسی
۵. مشارکت در اجتماعت عمومی، تظاهرات و ...
۶. عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی
۷. عضویت انفعالی در یک سازمان شبه‌سیاسی
۸. مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی
۹. اندکی علاقه به سیاست
۱۰. رأی دادن
۱۱. عدم درگیری در سیاست

سؤال ۵) تفاوت بین «احزاب» و «گروه‌های فشار» را بنویسید. (ص ۱۲۶)

تمایز اساسی میان احزاب و گروه‌های فشار در تفاوت نگرش‌های آنهاست. گروه‌های فشار سازمان‌هایی هستند که برای دفاع یا نمایندگی از نگرش‌های محدود و ویژه یا ارتقای آنها کوشش می‌کنند در صورتی که احزاب در صدد دفاع یا نمایندگی از طیف وسیع‌تری از نگرش‌ها یا ارتقای آنها هستند.

سؤال ۶) درباره گروه‌های فشار توضیح دهید. (ص ۱۲۷)

گروه‌های فشار هدف‌های محدودی مانند ایجاد، الغا یا اصلاح قوانین و مقررات معینی، حمایت از منافع گروه خاصی در جامعه، ارتقای ایدئولوژی‌ها، اعتقادات، اصول یا اندیشه‌های معینی دارند. در بعضی از موارد این هدف محدود است و گروه فشار به محض این‌که به هدفش می‌رسد یا شکست می‌خورد از فعالیت دست می‌کشد. در موارد دیگر هدف ماهیتی مستمر دارد که در این صورت گروه فشار مربوط، موجودیت نامحدودی دارد. مسلماً دامنه مسائلی که ممکن است موجب ظهور گروه‌های فشار شود بسیار زیاد است، اما روشن است که بعضی از این گروه‌ها تنها حمایتی محدود و برخی دیگر حمایت گسترده‌ای را جلب خواهند کرد. به همین گونه، میزان درگیری گروه‌ها در فعالیت سیاسی به‌طور قابل ملاحظه‌ای از گروهی که کاملاً در حوزه سیاسی فعالیت دارد، فرق می‌کند. بنابراین اصطلاح «سازمان سیاسی» هم شامل احزاب سیاسی و هم شامل آن گروه‌هایی می‌شود که علت وجودی‌شان سیاسی است؛ و اصطلاح «سازمان شبه‌سیاسی» شامل آن گروه‌های فشار و سازمان‌های دیگری می‌گردد که کارکردشان تنها به صورت جزئی سیاسی است.

### سؤال ۷) درباره احزاب سیاسی توضیح دهید. (ص ۱۲۸)

احزاب سیاسی نیز مانند گروه‌های فشار ممکن است از حمایت پراکنده یا ویژه‌ای برخوردار باشند، اما با گروه‌های فشار از این جهت فرق می‌کنند که به جای داشتن نگرش‌های ویژه، دارای نگرش‌های پراکنده‌ای هستند. هدف‌های آن‌ها در سراسر طیف مسائلی که با جامعه روبرو است گسترده می‌باشد، هرچند ممکن است حزب معینی بر بعضی مسائل تأکید بیشتری کند. با وجود این، بعضی احزاب تکیه‌گاه حمایتی وسیع‌تر و برخی تکیه‌گاه حمایتی محدودی دارند. احزاب دارای تکیه‌گاه حمایتی وسیع مانند: احزاب توده‌ای معامله‌گر و مصلحت‌گرای دموکراسی‌های مدرن، احزاب توتالیتار آلمان نازی، دولت‌های مختلف کمونیستی؛ و احزاب دارای تکیه‌گاه حمایتی محدود مانند: احزاب منطقه‌ای، مذهبی، قومی، نخبه‌گرا.

### سؤال ۸) مشارکت سیاسی در جامعه مردان و زنان ایرانی در گذشته و حال چگونه بوده است؟ (این سؤال توسط استاد طرح گردید.)

در دویست سال گذشته زنان سنتی شهری به علت شرکت گسترده در مجالس سخنرانی و روضه، از بینش بالای سیاسی برخوردار بودند. لذا مشارکت سیاسی در زنان بسیار وسیع و گسترده بود، اما مردان سنتی شهری کم‌تر از زنان در اعتراضات سیاسی مشارکت داشتند و عمدتاً توسط زنان سنتی به مشارکت سیاسی کشانده می‌شدند. مردان و زنان متجدد و غرب‌گرا تنها مشارکت سیاسی در شکل‌های جدید مثل روزنامه‌نویسی و حضور در انجی‌او داشتند.

زنان و مردان روستایی به علت اشتغال دائمی به کار و تحکّم ارباب‌ها دچار فرهنگ سرخوردگی و ظلم‌پذیری بودند و در نتیجه مشارکت سیاسی کم‌تری داشتند.

### سؤال ۹) تفاوت مشارکت سیاسی ایران و غرب را بنویسید. (ص ۱۳۳)

مشارکت سیاسی در غرب به این‌صورت بوده است که در گروه‌های زیر مشارکت بیش‌تر از گروه‌های مقابل آنان است:

«تحصیلات بیش‌تر، طبقه متوسط، مردان، مسن‌تر، متأهل، ساکنان شهری، اقامت طولانی‌تر، مشارکت اجتماعی و عضویت در گروه‌ها یا سازمان‌ها، سفید پوست، اکثریت قومی.»

در حالی‌که در ایران وضعیت به صورت دیگری می‌باشد. در ایران مشارکت در گروه‌های زیر بیش از گروه‌های دیگر است:

«تحصیلات کم‌تر، طبقه کارگر و طبقه پائین، زنان، جوانان، مجرد، ساکنان روستایی، مشارکت اجتماعی کم‌تر یا عضویت در گروه هم‌ستیز.»

سؤال ۱۰) چهار عامل اصلی و سه عامل فرعی در مشارکت سیاسی کدامند؟ شرح دهید. (ص ۱۳۵)

عوامل اصلی: انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی.

عوامل فرعی: مهارت‌ها، منابع و تعهد.

برای مثال هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی باشد، احتمال مشارکت سیاسی بیشتر است.

مشارکت سیاسی بر طبق ویژگی‌های فرد نیز فرق می‌کند: شخصیت‌های اجتماعی‌تر، مسلط‌تر و بیرون‌گراتر بیشتر

احتمال دارد که از نظر سیاسی فعال باشند.

موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می‌شود به‌طور قابل ملاحظه‌ای

در مشارکت تأثیر می‌گذارد.

محیط سیاسی نیز مهم است از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است اشکال مختلف مشارکت را که مناسب

تلقی می‌گردد را تشویق یا توبیخ کند. بنابراین «قواعد بازی» مانند حق رأی دادن، فراوانی انتخابات، تعداد مقامات

سیاسی مورد انتخاب، نگرش‌ها نسبت به اجتماعات و تظاهرات خیابانی و ماهیت احزاب سیاسی و گروه‌های

فشار، همه متغیرهای مهمی هستند.

با وجود این در نظر گرفتن مهارت‌هایی که فرد دارد و منابع در دسترس او نیز مهم است. مهارت‌های اجتماعی،

مهارت‌های تحلیلی، توانایی سازمانی، مهارت‌های سخنوری همه ممکن است مشارکت را افزایش دهند. فعالیت

نیازمند منابع است، مانند وقت و پول، یا مستقیماً به صورت تعهد مالی و کمک‌های اهدایی یا به‌طور غیرمستقیم به

صورت اختصاص دادن وقت یا کمک جنسی. در اکثر موارد، فرد به تعهد نیز نیاز دارد، تعهد نسبت به یک آرمان

یا هدف، رهبر یا سازمان.

## فصل هفتم: گزینش سیاسی

سؤال ۱) گزینش سیاسی چیست؟ (ص ۱۴۴)

گزینش سیاسی فرآیندی است که به وسیله آن افراد، مقامات رسمی را در نظام سیاسی به دست می‌آورند یا در نقش صاحب‌منصبان رسمی، اساساً در مقامات سیاسی و اداری، ظاهر می‌شوند، اما در بعضی موارد در نقش منصب‌داران دیگر مانند اعضای قوه قضائیه، پلیس و ارتش خدمت می‌کنند. بیشتر مطالعات گزینش سیاسی معمولاً بر منصب‌داران سیاسی مانند رؤسای جمهور، نخست‌وزیران، وزیران، اعضای مجالس قانون‌گذاری یا اعضای شوراهای محلی متمرکز می‌گردند.

سؤال ۲) گزینش سیاسی تحت تأثیر چه عواملی شکل می‌گیرد؟ (ص ۱۴۶)

۱. واجد شرایط خاص بودن: منصب‌داران آینده باید «واجد شرایط» مقاماتی که داوطلب آن‌ها هستند باشند، و نه تنها شرایط رسمی مانند شهروندی، محل اقامت یا تحصیلات، بلکه شرایط غیررسمی را نیز برآورده سازند، مانند سن، جنس و تجربه. روشن است که آن‌ها باید از منابع لازم مانند مهارت‌های مناسب، وقت و حمایت مالی برخوردار باشند.

۲. در ساختار فرصت جایی داشتن: نظام سیاسی خود متغیری است که زمینه را برای فرآیند گزینش آماده می‌سازد و قوانینی اساسی و خاص خود وضع می‌کند. این متغیرها با متغیری دیگر ترکیب می‌شوند تا یک «ساختار فرصت» تشکیل دهند، یعنی ترکیبی از شرایط و ویژگی‌های شخصی که احتمال آن‌را که فرد معینی نخست مقامی را جستجو کند و سپس آن‌را به دست آورد، افزایش یا کاهش می‌دهد.

۳. با واسطه گزینش آشنا بودن: در برخی مطالعات، تمایزی وجود دارد میان اصطلاحاً «خودآغاز گران» - کسانی که به ابتکار خود در جستجوی مقام هستند - و آن‌ها که توسط دیگران برای جستجوی مقام ترغیب می‌شوند. به این گروه اخیر اغلب به منزله افرادی که «با واسطه گزینش شده‌اند» یعنی با کوشش‌های واسطه‌های گوناگون استخدام شده‌اند، اشاره می‌شود.

## فصل هشتم: ارتباطات سیاسی

سؤال ۱) ارتباطات سیاسی را تعریف کنید. (ص ۱۷۱)

ارتباطات سیاسی انتقال اطلاعات مناسب از نظر سیاسی از یک بخش نظام سیاسی به بخشی دیگر و میان نظام-های اجتماعی و سیاسی است. اطلاعات مناسب نه تنها به مسائل واقعی، مثلاً آنچه اتفاق افتاده است، بلکه به انتقال اندیشه‌ها ارزش‌ها و نگرش‌ها نیز مربوط می‌شود.

سؤال ۲) پنج عنصر اصلی در هر مدل ارتباطی چیست؟ با ذکر مثال شرح دهید. (ص ۱۷۲)

منبع پیام، خود پیام، کانالی که به وسیله آن پیام انتقال می‌یابد، گیرنده پیام، بازخورد یا واکنش یا پاسخ دریافت-کننده پیام.

در چنین مدلی، منبع می‌تواند یک نامزد انتخاباتی و پیامش تعدادی از پیشنهادهای مشخص سیاسی باشد. کانال می‌تواند یک مصاحبه تلویزیونی و گیرنده یا مخاطب، اعضای حوزه انتخاباتی باشند که برنامه را تماشا می‌کنند. پاسخ یا بازخورد، تأیید یا عدم تأیید پیشنهادهای یا کاندیدا یا هر دو می‌باشد. کانالی که برای بازخورد مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد. محتمل‌ترین شکل، رفتار رأی دادن کسانی خواهد بود که برنامه را تماشا کرده‌اند، اما عده کمی هم ممکن است برای بیان عقاید خود با کاندیدا تماس برقرار کنند، بعضی ممکن است به روزنامه‌ای نامه بنویسند و گاهی ممکن است به تظاهرات خیابانی منجر شود و غیره.

سؤال ۳) جان فیسک رسانه‌ها را به چند دسته تقسیم می‌کند؟ نام برده توضیح دهید. (ص ۱۷۴)

جان فیسک رسانه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند

۱. نمایشی: شامل صدا، چهره و بدن فردی است که از زبان گفتاری و حرکات استفاده می‌کند و برقرار کننده ارتباط است.

۲. تصویری: شامل همه مواد نوشتاری و چاپی، عکس و نقاشی، نشانه‌ها و تصاویری هستند که همگی وجودی مستقل از ارتباط‌گر دارند.

۳. مکانیکی: شامل تلفن، رادیو، تلویزیون، فیلم، تلکس و دستگاه‌های فکس و مانند آنهاست.

**سؤال ۴) چرا رمزگذاری و رمزگشایی در فرآیند ارتباطات مهم هستند؟ شرح دهید. (ص ۱۷۴)**

امکان این‌که پیامی درست فهمیده نشود، ممکن است به دو متغیر مهم دیگر بازگشت کند: رمزگذاری و رمزگشایی و ادراک. همه پیام‌ها باید به شکلی مناسب به صورت رمز درآید که متناسب با کانال یا رسانه مورد استفاده باشد. علاوه بر این، برای این‌که پیام فهمیده شود رمز باید به گونه‌ای باشد که فرستنده و گیرنده پیام آن‌را درک کنند. معمول‌ترین شکل رمز «زبان» است، اما شکل‌های دیگری مانند حرکات، استفاده از چشم‌ها، حالات چهره، آهنگ صدا، استفاده از رنگ، بروز رفتار مورد انتظار و استفاده از نمادها وجود دارند.

همان‌گونه که پیام‌ها باید به صورت رمز درآیند، باید رمزگشایی نیز شوند. درک رمز اصلی تا اندازه زیادی به توانایی فردی که پیام را دریافت می‌کند، بستگی دارد. این امر مسأله ادراک را مطرح می‌کند که اهمیت آن در مبحث اجتماعی‌شدن، مشارکت و گزینش سیاسی گذشت. هم ادراک فرستنده و هم ادراک گیرنده پیام ممکن است در رمزگذاری و رمزگشایی پیام تأثیرگذار باشد، از این نظر که فرستنده پیام، اطلاعات را پیش از آن‌که پیامی درباره آن تنظیم کند، تفسیر می‌کند و گیرنده پیام به محض دریافت پیام، اطلاعاتی را که پیام دربر دارد، تفسیر خواهد کرد.

**سؤال ۵) چرا رمزگذاری و رمزگشایی در فرآیند ارتباطات مهم هستند؟ شرح دهید. (ص ۱۷۴)**

امکان این‌که پیامی درست فهمیده نشود، ممکن است به دو متغیر مهم دیگر بازگشت کند: رمزگذاری و رمزگشایی و ادراک. همه پیام‌ها باید به شکلی مناسب به صورت رمز درآید که متناسب با کانال یا رسانه مورد استفاده باشد. علاوه بر این، برای این‌که پیام فهمیده شود رمز باید به گونه‌ای باشد که فرستنده و گیرنده پیام آن‌را درک کنند. معمول‌ترین شکل رمز «زبان» است، اما شکل‌های دیگری مانند حرکات، استفاده از چشم‌ها، حالات چهره، آهنگ صدا، استفاده از رنگ، بروز رفتار مورد انتظار و استفاده از نمادها وجود دارند.

همان‌گونه که پیام‌ها باید به صورت رمز درآیند، باید رمزگشایی نیز شوند. درک رمز اصلی تا اندازه زیادی به توانایی فردی که پیام را دریافت می‌کند، بستگی دارد. این امر مسأله ادراک را مطرح می‌کند که اهمیت آن در مبحث اجتماعی‌شدن، مشارکت و گزینش سیاسی گذشت. هم ادراک فرستنده و هم ادراک گیرنده پیام ممکن است در رمزگذاری و رمزگشایی پیام تأثیرگذار باشد، از این نظر که فرستنده پیام اطلاعات را پیش از آن‌که پیامی درباره آن تنظیم کند، تفسیر می‌کند و گیرنده پیام به محض دریافت پیام، اطلاعاتی را که پیام دربر دارد، تفسیر خواهد کرد.

**سؤال ۶) مهم‌ترین تفاوت‌های ارتباطات جمعی و ارتباطات فردی را ذکر کرده و شرح دهید. (ص ۱۷۵)**

ارتباطات غیرکلامی - استفاده از حرکات، حالات چهره و زبان بدن - در ارتباطات میان افراد بسیار معمول است، در صورتی‌که کلمات چاپی و تصاویر متحرک و غیرمتحرک معمول‌ترین شکل ارتباطات جمعی هستند. زبان گفتاری به طور گسترده‌ای در هر دو نوع به کار می‌رود و تفاوت اساسی میان این دو نوع است که ارتباط میان افراد معمولاً بین تعداد اندکی از افراد، یا چهره‌به‌چهره یا از دور به وسیله تلفن یا شکلی از ارتباط نوشتاری رخ می‌دهد. برعکس، ارتباط جمعی میان یک فرد یا تعداد اندکی از افراد یا سازمان و تعداد بسیار بیشتری از افراد رخ می‌دهد،

تا آن‌جا که تعداد مخاطبان ممکن است معلوم نباشد و برای فرستنده پیام نیز ممکن است تا اندازه زیادی نامشخص باشد.

### سؤال ۷) کارکرد دروازه‌بانی در یک فرآیند ارتباطی چیست؟ (ص ۱۷۶)

سانسور پیام، تصرف در پیام، تحلیل پیام مانند سردبیران و تحلیلگران روزنامه‌ها. سرانجام باید نقش آنچه را *وایت کارکرد* «دروازه‌بان» می‌نامد نیز در نظر گرفت که در آن بر نقاطی از فرآیند ارتباطات تأکید می‌شود که در آن نقاط درباره کنترل اطلاعات یا پیام، تصمیماتی گرفته می‌شود. این تصمیمات ممکن است ابزاری باشند، مانند تعیین ضرب‌الاجل برای تسلیم نسخه‌ای از یک روزنامه؛ یا شخصی باشند، مانند سردبیران یا معاونان روزنامه.

مک نلی درباره کارکرد دروازه‌بان در بررسی عواملی که در جریان خبرهای بین‌المللی تأثیر می‌گذارد به تفصیل بحث کرده است. دروازه‌بان‌ها برای گزارش یک رویداد بین‌المللی شامل خبرنگاری که شخصاً تصمیم می‌گیرد گزارشی تهیه کند، تلفن، تلکس، فکس، سیستم ماهواره‌ای برای انتقال نسخه‌ای از گزارش، امکان سانسور در منبع، وجود منطقه‌های زمانی و تصمیمات سردبیران و دستیاران آن‌ها می‌شوند. تا اندازه زیادی مسأله به آنچه «ارزش-های خبری» نامیده شده است بستگی دارد، یعنی معیارهای حرفه‌ای که در گزینش خبرها به کار گرفته می‌شوند. این معیارها نه تنها از یک نوع رسانه به نوعی دیگر فرق می‌کنند، بلکه از یک رسانه به رسانه‌ای دیگر در درون همان نوع نیز فرق می‌کنند. برای مثال اخبار تلویزیونی باید گزینشی‌تر از روزنامه‌ها باشد و ترجیحی طبیعی برای فیلم و بازی دارد تا عکس‌های بی‌حرکت یا «سرهای سخنگو». بینندگان تلویزیون نیز نسبتاً نامتمایزند، در صورتیکه روزنامه‌ها مخاطبان تعریف شده بیشتری دارند و می‌توانند «به خوانندگان خود آنچه را آن‌ها می‌خواهند» بدهند. برای مطبوعات مردم‌پسند این معمولاً عبارت است از داستان‌هایی با «علاقه انسانی» که معمولاً به صورتی بسیار شخصی ارائه می‌گردد؛ برای مطبوعات «سطح بالا» پوشش خبری «ژرفانگر» و رویکرد کم‌تر شخصی معمول است.

### سؤال ۸) ارتباطات سیاسی چگونه عمل می‌کند؟ (ص ۱۷۹)

به سه طریق عمل می‌کند:

۱. از طریق نظام ارتباطات عمومی جامعه: ارتباطات سیاسی از طریق نظام ارتباطات جامعه عمل می‌کند و اگرچه پیام‌ها و کانال‌های سیاسی ارتباطات آشکارتر از همه در درون خود نظام سیاسی وجود دارند، بیشتر ارتباطات سیاسی از طریق کانال‌های ارتباطی جامعه برقرار می‌گردند و پیام‌های سیاسی مخصوصاً پیام‌های موجود در ذهن دریافت‌کنندگان، همیشه از پیام‌های دیگر تفکیک نمی‌شوند. برای مثال تنها مقدار محدودی از بازده رسانه‌های همگانی مخصوصاً در مورد رادیو و تلویزیون سیاسی است.

۲. به طور عمودی از بالا به پایین (سلسله مراتب) و یا به صورت افقی از طریق همکار به همکار منتقل می‌شود: ارتباطات سیاسی هم به طور عمودی و هم به طور افقی عمل می‌کند، به عبارتی در اصطلاح نخبگان به طور سلسله



مراتبی میان فرمانروایان و فرمانبرداران، همیشه به صورت یک جریان دوطرفه و به طور جانبی میان افراد و گروه‌ها صورت می‌گیرد.

۳. ارتباط سیاسی از سه کانال اصلی استفاده می‌کند:

الف) رسانه‌های همگانی: رسانه‌های همگانی به عنوان مهم‌ترین منابع، برای پخش گسترده اطلاعات سیاسی مهم هستند و تلویزیون از همه آن‌ها مهم‌تر است. رسانه‌ها هم‌چنین با تبلیغ عقاید افراد و گروه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی نقش ایفا می‌کنند.

ب) گروه‌های فشار و احزاب سیاسی: در روابط دوسویه میان سیاستمداران و بوروکرات‌ها، انواع فعالان سیاسی و افکار عمومی در جامعه اهمیت دارند.

ج) روابط غیررسمی بین افراد و گروه‌ها: مهم هستند به‌ویژه از طریق نظریه جریان دو مرحله‌ای که در آن رهبران عقاید به عنوان کانال‌های اطلاعات، به عنوان منابع فشار اجتماعی برای پیروی کردن از هنجارهای گوناگون و به عنوان منابع حمایت از به هم پیوستگی گروهی در رفتار سیاسی و اجتماعی عمل می‌کنند.

**سؤال ۹) ارتباطات سیاسی از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد؟ (ص ۱۸۱)**

ارتباطات سیاسی از عوامل طبیعی، تکنولوژیک، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد.

**سؤال ۱۰) طبیعت چگونه می‌تواند مانع ارتباطات سیاسی باشد؟ (ص ۱۸۱)**

موانع طبیعی ارتباطات همیشه مهم بوده‌اند، خواه به صورت کوه‌ها، دریاها، صحراها باشند یا صرفاً بُعد مسافت. این امر از نظر تاریخی هم مهم بوده است؛ از این جهت که راه‌های نامناسب و تکنولوژی محدود به این معنا بود که تحرک جغرافیایی محدود بود و اجتماعات در درون یک جامعه معین از یکدیگر مجزاً بوده‌اند. این امر هنوز در مورد بسیاری از کشورهای جهان سوم درست است.

**سؤال ۱۱) تحولات تکنولوژیک چگونه موانع طبیعی را از سر راه برداشته است؟ (ص ۱۸۱)**

تحولات تکنولوژیک تا آنجا موانع ارتباطات را کاهش داده است که مک‌لوهان جهان را «دهکده جهانی» توصیف کرد. تکنولوژی مدرن توسعه رسانه‌های همگانی را تسهیل کرده است، به طوری که اطلاعات را می‌توان ارزان، در پهنه‌ای گسترده و با سرعت بالا انتقال داد تا به مخاطبان بیشتری برسد. برای مثال استفاده از رادیوی ترانزیستوری که به باطری نیاز نداشت، دارای تأثیرات عمیقی بر کشورهای جهان سوم بود. توسعه ماهواره‌های ارتباطی تحولات شگفت‌آورتری داشت، زیرا پخش اطلاعات از طریق ماهواره را نمی‌توان به آسانی کنترل کرد.

**سؤال ۱۲) منطقه‌های زمانی چگونه می‌توانند مانعی برای ارتباطات سیاسی باشند؟ (ص ۱۸۲)**

تأثیر منطقه زمانی به این صورت است که موجب انزوای بسیاری از اجتماعات در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری شده است. کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا و شوروی سابق به ترتیب با چهار، پنج و یازده منطقه زمانی شبکه‌های ارتباطی را چندپاره کرده‌اند. برنامه‌های رادیو و تلویزیون و هم‌چنین توزیع روزنامه به طور همزمان

پخش نمی‌شود و این موجب پیدایش شبکه‌های ارتباطی چندپاره در این کشورها با تأکید بر ایستگاه‌های محلی شده است. در این کشورها یکی یا دو روزنامه در سطح ملی وجود دارد؛ ایالات متحده و کانادا روزنامه ملی به مفهوم اروپایی ندارند.

### سؤال ۱۳) توسعه اقتصادی چگونه می‌تواند بر ارتباطات سیاسی تأثیر گذارد؟ (ص ۱۸۲)

الگوهای ارتباطات ممکن است از توسعه اقتصادی تأثیر بپذیرند. کشورهای کم‌تر توسعه یافته معمولاً دارای شبکه‌های ارتباطی چندپاره و محلی هستند، اما توسعه اقتصادی به توسعه گسترده‌تر رسانه‌های همگانی و اتکای بیشتر سیاست‌مداران و مردم به رسانه‌های همگانی منجر می‌گردد. بنابراین مردم بیشتری به همان کانال‌ها دسترسی می‌یابند و پیام‌ها را دریافت می‌کنند و این امر به گرایش بیش‌تر در جهت یک‌نواختی بیشتر در الگوهای ارتباطی منجر می‌شود. این امر ممکن است به وسیله عوامل اجتماعی - فرهنگی مانند میزان سواد و میزان برخورداری یک جامعه از زبان مشترک یا زبان گسترده تعدیل گردد.

## فصل نهم: افکار عمومی و جامعه

سؤال ۱) افکار عمومی چیست؟ (ص ۱۸۶)

استاد: داشتن عقیده مشابه در قشر وسیعی از جامعه و فقدان عقیده مخالف جدی در مابقی جامعه. کتاب: «عقیده، محتوای آگاهی فرد است، بدون هیچ‌گونه داوری درباره درستی یا نادرستی آن». افکار عمومی درباره موضوعات خاص، مجموع عقاید همه افراد در یک جامعه معین است.

سؤال ۲) عقاید افکار عمومی را با توجه به مدت و تمایز میان ارزش‌ها و نگرش‌ها به چند دسته می‌توان

تقسیم کرد؟ (ص ۱۸۹)

افکار عمومی را می‌توان به چهار گروه زیر تقسیم کرد:

۱. عقاید کارشناسی: کسانی که در حوزه عقاید مربوط به متخصصان شناخته‌شده هستند.
۲. عقاید آگاهانه: کسانی که آگاهی یا آشنایی معقول با حوزه عقاید مربوط دارند.
۳. عقاید تأثیر پذیرفته: کسانی که از مسأله یا موضوع مربوط مستقیماً تأثیر پذیرفته‌اند.
۴. افکار عمومی به‌طور کلی: هر کسی که در هیچ‌کدام از گروه‌های بالا قرار نمی‌گیرد.

سؤال ۳) افکار عمومی چند ویژگی دارد؟ نام ببرید و هرکدام را شرح دهید. (ص ۱۸۹)

افکار عمومی چهار ویژگی اصلی دارد:

۱. جهت: در درون یک گروه یا بخش خاصی از عقاید، ممکن است عقاید درباره مسأله‌ای متفق باشند، اما اینکه آیا این امر درباره هر مسأله‌ای درست است یا نه، قابل تردید است، اگرچه نسبتی که دارای دیدگاه معینی است ممکن است بسیار بزرگ باشد. همچنین محتمل است که در افکار عمومی به‌طور کلی، دست‌کم تعدادی از پاسخ‌های «نمی‌دانم» وجود داشته باشد.
۲. شدت: به این واقعیت اشاره دارد که بعضی از افراد شدیدتر از دیگران دارای عقاید خاصی هستند که احتمال آن‌را که بر اساس آن عقاید دست به عمل بزنند بیشتر می‌کند.
۳. برجستگی: برجستگی شبیه شدت است، از این نظر که برجستگی نیز شدت عقاید را اندازه‌گیری می‌کند، اما به اهمیت نسبی عقایدی که یک فرد یا گروهی از افراد دارند، مربوط می‌شود. همان‌طور که بعضی افراد احساس

شدیدتری در مورد مسائل معینی دارند، همین‌گونه درباره یک مسأله در مقایسه با مسأله‌ای دیگر نیز احساس شدیدتری خواهند داشت.

۴. همسازی: به رابطه بین عقاید مربوط می‌شود، اما بر میزانی که داشتن یک عقیده با داشتن عقیده‌ای دیگر همساز است، متمرکز می‌گردد.

**سؤال ۴) چرا ناهمسازی در مورد قضیه‌ای در افکار عمومی تشکیل می‌شود؟ (چرا همسانی متناقض در مورد قضیه‌ای شکل می‌گیرد؟) (ص ۱۹۳)**

استاد: برای این که مردم در برخی موارد به صورت کلی موافقت می‌کنند اما از جزئیات اطلاع کافی ندارند. کتاب: تقریباً به‌طور مسلم می‌توان گفت که بیشتر ناهمسازی‌ها به وسیله کسانی صورت می‌گیرد که اطلاع دقیقی در مورد آن ندارند و چنانچه اطلاعات بیشتر یا متفاوت ارائه گردد، ممکن است عقاید تغییر کند.

**سؤال ۵) افکار عمومی چگونه شکل می‌گیرد؟ (ص ۱۹۶)**

نگرش‌ها یا عقاید معین محصول فرآیند اجتماعی شدن و شخصیت و تجربه فرد از یک طرف و عوامل ویژه مربوط به مسائل خاص از طرف دیگر هستند. بنابراین اجتماعی شدن، شخصیت و تجربه، محیطی را به وجود می‌آورد که فرد را قادر می‌سازند نسبت به مسائل معینی واکنش نشان دهد و نگرش‌ها یا عقایدی را شکل بدهد. اما این که آیا فرد نسبت به مسأله‌ای معین واکنش نشان می‌دهد یا نه، ممکن است به سه عامل بستگی داشته باشد:

آیا مسأله به آگاهی فرد رسانده شده است؟

آیا فرد به مسأله علاقه‌مند است؟

آیا فرد از مسأله تا چه اندازه اطلاع دارد؟

**سؤال ۶) آگاهی‌ها چگونه و از چه طریق به افراد رسانده می‌شود؟ (ص ۱۹۶)**

از میان این عوامل، نخستین عامل معمولاً تعیین دستور کار سیاسی یا تعیین اولویت مسائلی که باید درباره آن‌ها تصمیم‌گیری شود، نامیده می‌شود و تعیین‌کنندگان اصلی دستور کار سیاسی «احزاب سیاسی» هستند که آشکارتر از همه از طریق بیانیه‌های انتخاباتی‌شان، اما در عمل پیوسته مسائل را در برابر مردم مطرح می‌سازند و می‌کوشند از این کار سود ببرند. احزاب هم‌چنین یک دستور کار کلی را تنظیم می‌کنند و یک سلسله مسائل را به‌صورت برنامه‌ای منسجم ترکیب می‌کنند، اما تعیین‌کنندگان دیگر و به‌طور قابل ملاحظه‌ای گروه‌های فشار توجه خود را بر مسائل ویژه و برنامه واحد متمرکز می‌سازند. رسانه‌ها نیز تا اندازه‌ای با تبلیغ فعالیت‌های احزاب و گروه‌های فشار و هم‌چنین با مطرح کردن مسائل و مجبور کردن این احزاب و گروه‌های فشار به پاسخ‌گویی یا آگاه شدن از آن مسائل، نقش عمده‌ای در تعیین دستور کار بازی می‌کنند. در عین حال، از یاد نبردن جنبه‌های منفی تعیین دستور کار نیز مهم است. مسائل را می‌توان خارج از دستور کار نگه‌داشت یا از نظر اولویت در مرتبه پائینی قرار داد، به‌طوری که افراد از وجود مسأله ناآگاه می‌مانند یا این که از وجود مسأله‌ای کم‌تر آگاه می‌شوند.

سؤال ۷) علاقه‌مندی افراد به مسائل سیاسی حول چه محوری شکل می‌گیرد؟ (ص ۱۹۷)

نفع مادی، عقاید دینی و ایدئولوژی، تحصیل، رسانه‌ها.

در این‌جاست که عامل دوم یا میزان علاقه فرد به یک مسأله معین مطرح می‌گردد. آگاهی از وجود مسأله کافی نیست؛ فرد ممکن است عقیده‌ای نداشته باشد و در مواردی که عقیده‌ای وجود دارد، شدت و برجستگی نقش اساسی پیدا می‌کنند. همان‌طور که گفتیم در بسیاری مسائل پاسخ «نمی‌دانم» وجود دارد، اما در مواردی که فرد از مسأله تأثیر می‌پذیرد یا در آن ذی‌نفع است، احتمال بودن در گروه پاسخ‌های «نمی‌دانم» کاهش می‌یابد. به همین ترتیب هرچه افراد درباره مسأله‌ای بیشتر بدانند، بیشتر احتمال دارد که درباره آن عقیده‌ای داشت باشند. افراد تحصیل کرده بیشتر احتمال دارد که عقیده‌ای داشته باشند تا افراد کم‌تر مطلع‌تر و کم‌سوادتر. تنها «جهل» مانع داشتن عقیده نیست و مسأله بیشتر ممکن است به دریافت فرد از «واقعیت»‌های موضوع بستگی داشته باشد تا واقعیت‌های عملی.

رسانه‌های همگانی بدون تردید نقش قاطعی در شکل‌گیری افکار عمومی بازی می‌کنند، اما هیچ توافقی درباره ماهیت واقعی نقش آن وجود ندارد. دنیس مک‌کویل نوع‌شناسی جامعی از آثار رسانه‌ها فراهم آورده است وی می‌پذیرد که سنجش تأثیر دقیق آثار مختلف دشوار است، ممکن است در طول زمان و از یک بخش جامعه به بخش دیگر فرق کند. درعین حال، پیچیدگی آثار رسانه‌ها مهم و فراگیر است.

## فصل دهم: ایدئولوژی و جامعه

سؤال ۱) ایدئولوژی از نظر مارکس، مانهایم، پارسونز و گیرتس و علامه مصباح را تعریف کنید و تفاوت عمده نظر علامه مصباح با دیگران را ذکر کنید. (ص ۲۰۲)

مارکس: آگاهی دروغین؛

مانهایم: سبک‌های اندیشه؛

پارسونز: یک نظام اعتقادی که اعضای یک جمع در آن اشتراک دارند و نیز طرحی تفسیری در نظر می‌گرفت که گروه‌های اجتماعی از آن استفاده می‌کنند تا جهان را برای خود فهم‌پذیر سازند؛

گیرتس: ایدئولوژی یکی از چند نظام نمادی فرهنگی است که نظام‌های دیگر آن عبارتند از: نظام مذهبی، نظام زیبایی‌شناختی، نظام علمی. ایدئولوژی نقش بیطرف دارد؛

علامه مصباح: نوعی جهان‌بینی فرد نسبت به جهان، فرد و رابطه انسان با جهان است، در حالیکه در نظر دیگران ایدئولوژی محدود به جامعه و سیاست است.

سؤال ۲) چهار ویژگی هر ایدئولوژی را نام ببرید. (ص ۲۰۳)

۱. داشتن یک عقیده یا اندیشه خاص به داشتن یک یا چند عقیده دیگر وابسته است؛

۲. این‌گونه اعتقادات کم و بیش وضوح، انسجام و همسازی درونی خواهند داشت؛

۳. این اندیشه و باورها ممکن است دیدگاه‌های مربوط به طبیعت نژاد انسانی را منعکس نمایند، مانند طبیعت خودخواهانه، همکارانه، عقلانی، فردگرایانه، اشتراکی یا اجتماعی؛

۴. این‌گونه باورها ممکن است با یک وضعیت اجتماعی خاص یا مجموعه ترتیباتی در ارتباط باشند که برای رسیدن به آن‌ها باید تلاش کرد، باید آن‌ها را به دست آورد و حفظ کرد.

سؤال ۳) کارکردهای ایدئولوژی را نام ببرید. (ص ۲۰۴)

۱. فراهم کردن تصویری از جهان برای فرد؛

۲. فراهم کردن تصویری «مرجّح» از جهان به طور ضمنی یا آشکار؛ (فرد ترجیح می‌دهد که جهان چگونه باشد)

۳. فراهم کردن یک وسیله هویت در جهان برای فرد؛ (اجازه دادن به فرد برای اینکه جایگاه مناسب خود را در جامعه بیابد)

۴. فراهم کردن وسیله‌ای برای واکنش نشان دادن نسبت به پدیده‌ها. (امکان دادن به فرد برای این‌که به آنچه رخ می‌دهد و آنچه گفته می‌شود، پاسخ دهد)

۵. فراهم کردن یک راهنمای عمل برای فرد، به ویژه اینکه چگونه وضعیت را به همان حالت حفظ کند یا به حالتی مرجح تغییر دهد.

#### سؤال ۴) ایدئولوژی از نظر مارکسیست‌ها و غیرمارکسیست‌ها را بیان کنید. (ص ۲۰۵)

ایدئولوژی از نظر مارکس یک امر منفی است، چراکه مارکس ایدئولوژی را تحریف واقعیت برای توجیه منافع طبقه مسلط می‌داند، به عبارت دیگر طبقه حاکم، منافع خود را به عنوان منافع مشترک همه جامعه معرفی می‌کند. ایدئولوژی از نظر نومارکسیست‌ها منفی نیست، بنابراین گرامشی و آلتوسر ایدئولوژی را وسیله تسلط طبقه فرادست می‌دانند، اما در عین حال آن‌را لازمه زندگی می‌شمارد که در همه تجلیات زندگی فردی آشکار است. غیر مارکسیست‌ها مانند پارسونز خود مارکسیسم را نیز یک ایدئولوژی تلقی می‌کنند. بنابر این به عنوان یک جهان‌بینی طبقه اجتماعی یا اندیشه‌های خاص افراد، طبقات یا احزاب معرفی می‌کند.

#### سؤال ۵) تفاوت‌های «فرهنگ سیاسی» و «ایدئولوژی» را نام ببرید. (ص ۲۰۸)

فرهنگ سیاسی را نباید مترادف با ایدئولوژی در نظر گرفت؛ زیرا از دو جهت باهم متفاوت هستند:

۱. فرهنگ سیاسی کلی‌تر از ایدئولوژی در نظر گرفته می‌شود و با این‌که ممکن است ایدئولوژی خاصی را منعکس کند، معمولاً شامل اندیشه‌ها و ارزش‌هایی خارج از آن ایدئولوژی است؛
۲. فرهنگ سیاسی با میزان صراحت، انسجام و همسازی درونی بیشتر یا کمتر مشخص نمی‌شود، بلکه ممکن است شامل عناصر متناقض یا هم‌ستیز باشد، آن‌گونه که با وجود سنت‌های اجتماعی و سیاسی مختلف نشان داده می‌شود.

#### سؤال ۶) چگونه فرهنگ سیاسی به معنای ایدئولوژی به کار می‌رود؟ و چگونه به تز پایان ایدئولوژی ختم

می‌شود؟ (ص ۲۰۸)

در یکی از تعاریف متعدد فرهنگ سیاسی، آلموندو و ربا تعریفی ارائه می‌کند که می‌تواند به منزله ایدئولوژی نیز به کار رود: «گرایش‌های مشخصاً سیاسی، نگرش نسبت به نظام سیاسی و بخش‌های گوناگون آن و نگرش نسبت به نقش خود در این نظام». نظریه‌های مارکسیستی در یک چیز اشتراک دارند. هر دو رفتار سیاسی را محصول مجموعه اندیشه‌های رایج در نظر می‌گیرند.

دیدگاه توسعه‌گرای سیاست که نظریه‌پردازانی مانند آلموندو و ربا ارتباط نیرومندی با آن داشتند، بر آن بود که همه جوامع در مراحل مختلف بر روی یک زنجیره توسعه اقتصادی و سیاسی قرار دارند که در نهایت به جوامع دموکراتیک منجر می‌شود.

ایدئولوژی‌ها و بحث‌های روشنفکرانه قدیمی قرن نوزدهم به سر آمده‌اند، دولت‌های نوحاسته آسیا و آفریقا اندیشه‌های تازه‌ای با جاذبه‌ای متفاوت برای مردم خود به وجود می‌آورند. این اندیشه‌ها مانند صنعتی شدن، نوسازی، پان‌عربیسم، رنگ و ناسیونالیسم هستند.

چنین استدلال می‌شد که در بیشتر جوامع صنعتی پیشرفته، تکنولوژی و نوسازی عمر اندیشه‌های قدیمی و سنتی را به سر آورده‌اند و بنابراین، این اندیشه‌ها حقیقت و قدرت ترغیب‌شان را از دست داده‌اند، آنچه در این جوامع پدید آمده بود، یک وفاق دموکراتیک بود که با توافق درباره هدف‌ها و عدم توافق درباره وسایلی که باید برای دستیابی به آن هدف‌ها به کار برده شوند، مشخص می‌گردید.

#### سؤال ۷) تز پایان ایدئولوژی را شرح دهید. (ص ۲۱۱)

تز پایان ایدئولوژی خود می‌تواند یک ایدئولوژی باشد. از این دیدگاه، تز پایان ایدئولوژی وضعیتی پیدا می‌کند شبیه وضعیّت مارکسیسم از این جهت که یا باید یک ایدئولوژی در نظر گرفته شود یا یک حقیقت. تضاد ایدئولوژیک ممکن است کاهش یافته باشد یا از میان رفته باشد، اما اهمیت اندیشه‌ها و ارزش‌ها در سیاست به هیچ وجه کاسته نشده است. حتی اگر پذیرفته شود که ارزش‌های دموکراتیک لیبرالی «حقیقت» هستند، این امر مانع از ظهور یک رویارویی ایدئولوژیک در آینده نمی‌شود. بنیادگرایی اسلامی را می‌توان دقیقاً به مثابه یک چنین رویارویی دید، به‌ویژه در ادعای این‌که بی‌گمان «حقیقت» است.

#### سؤال ۸) ایدئولوژی چه رابطه‌ای با ارزش‌ها و نگرش‌های افراد دارد؟ (ص ۲۱۲)

میزان آگاهی سیاسی افراد و ترجیحات سیاسی آن‌ها، وفاداری به نوع خاصی از ایدئولوژی را تأمین می‌کند و اگر ایدئولوژی بر اساس منافع گروه‌های خاص یا تحریف واقعیت استوار باشد، احتمال فروریختن آن در طول حیات فرد بسیار زیاد است.



## فصل دوازدهم: نظریه توسعه و نوسازی

سؤال ۱) منشاء و خاستگاه نظریات نوسازی چه بود؟

۱. اجرای طرح مارشال توسط امریکا
۲. گسترش جهانی کمونیسم
۳. تجزیه امپراطوری‌های استعماری

سؤال ۲) بنیادهای تئوریک نظریه نوسازی را نام ببرید.

۱. نظریه تکامل‌گرایی
۲. نظریه کارکردگرایی

سؤال ۳) زمینه‌های تاریخی نظریه تکامل‌گرایی چه بود؟

با مشاهده انقلاب صنعتی انگلستان و انقلاب سیاسی فرانسه، تفکر تکامل‌گرایی یک تفکر همه‌گیر شد و اصطلاحات خاصی از قبیل اجتماع و جامعه (گمین‌شافت و گزلفاشت) توسط تونیس، هم‌بستگی ارگانیکی و مکانیکی توسط دورکیم، جوامع نظامی و صنعتی توسط اسپنسر، و مراحل سه‌گانه الهی، متافیزیکی و پوزیتیویستی توسط آگوست کنت شیوع یافت.

سؤال ۴) ویژگی‌های نظریه تکامل‌گرایی را برشمرد.

۱. تغییر اجتماعی فرآیندی یک‌سویه است. (همه جوامع سیر حتمی از بدوی به مرحله مدرن را باید خواه ناخواه طی کنند)
۲. این حرکت الزاماً مثبت و ارزشمند است، زیرا نشانه پیشرفت، انسانیت و تمدن است.
۳. آهنگ تغییرات اجتماعی، آرام، تدریجی و انباشتی است، نه انقلابی.

سؤال ۵) زمینه‌های شکل‌گیری نظریه کارکردگرایی پارسونز را شرح دهید.

۱. مقایسه ارتباطات سیستماتیک در زیست‌شناسی و مطالعات اجتماعی. (مثل اندام‌ها و نهادهای اجتماعی)

۲. مقایسه انجام وظایف اعضای بدن با نهادهای اجتماعی: پارسونز با طرح «ضرورت کارکردی» برای هر جامعه چهار کارکرد را ضروری دانست: ۱. تطابق با محیط، ۲. دستیابی به هدف، ۳. یکپارچگی، ۴. حفظ الگوهای ارزشی بین نسل‌ها

۳. مقایسه جامعه با اندام موجود زنده. تغییر در هر عضو موجب تغییرات در سایر اجزاء به منظور حفظ تعادل و کاهش تنش خواهد شد. (مثل تب و عرق کردن و تعادل ارزش‌ها و محیط)

### سؤال ۶) مفروضات نظریه تکامل‌گرایی و کارکردگرایی را شرح دهید.

**مفروضات تکامل‌گرایی:** تغییر اجتماعی یک فرآیند تک خطی، رو به پیشرفت و تدریجی است که جوامع بشری را به طور برگشت‌ناپذیری از یک مرحله ابتدایی به یک مرحله پیشرفته سوق می‌دهد. و دارای ویژگی‌های زیر است: ۱. یک فرآیند مرحله به مرحله است؛ ۲. یک فرآیند تجانس‌آفرین است؛ ۳. یک فرآیند اروپایی‌شدن یا آمریکایی‌شدن است؛ ۴. یک فرآیند غیرقابل برگشت است؛ ۵. یک فرآیند روبه‌پیشرفت است؛ ۶. یک فرآیند طولانی است.

### مفروضات کارکردگرایی:

۱. نوسازی فرایندی نظام یافته است؛ (شامل تمام عرصه‌های زندگی می‌شود)
۲. فرآیندی انتقال دهنده است؛ (باید ساختارهای سنتی به کلی نابود شده و با ساختارهای مدرن جایگزین شود)
۳. فرآیندی درون‌زاست.

### سؤال ۷) از میان رویکردهای مختلف نوسازی، رویکرد جامعه‌شناختی لوی را توضیح دهید.

رویکرد جامعه‌شناختی لوی دارای دو بخش می‌باشد:

#### الف) مقایسه کشورها:

ویژگی جوامع نوسازی‌نشده	ویژگی جوامع نوسازی‌شده
درجه پایین تخصص‌گرایی	درجه بالای تخصص‌گرایی
درجه بالای خود اتکایی	وابستگی متقابل سازمان‌ها
اصول فرهنگی مبتنی بر سنت	قواعد فرهنگی مبتنی بر اصالت سود
امتزاج کارکردها	کارکردهای اختصاصی (درجه بالای تمرکزگرایی)
تأکید نسبتاً اندک بر گردش پول	تأکید زیاد بر گردش پول و بازار
پای‌بندی بر اصول و قواعد خانوادگی	رشد دیوان‌سالاری
جریان یک طرفه کالاها از روستا به شهرها	جریان دو طرفه پول و کالا بین شهر و روستا

ب) چشم‌انداز نوسازی برای کشورهای نوسازی نشده

مشکلات اقتباس نوسازی	مزایای اقتباس نوسازی
مشکلات ناشی از مقیاس (لازم است کارهای خاصی را از همان آغاز در مقیاس بزرگ انجام دهند)	روشن بودن هدف
تبدیل منابع، مواد، مهارت‌ها و . . . از یک کاربرد به کاربرد دیگر	کسب تخصص‌های اولیه در زمینه برنامه‌ریزی، انباشت سرمایه، کسب مهارت‌ها و الگوی سازمانی بدون پرداخت هزینه‌های نوآوری با تقلید از غرب
مشکل یاس و دلسردی از تلاش کوشش بیشتر	پرهیز از مراحل غیر ضرور
آسیب دیدن اقشار پایین جامعه	کمک گرفتن از کشورهای پیشرفته

سؤال ۸) از میان رویکردهای مختلف نوسازی، مراحل توسعه اقتصادی روستور را شرح دهید.

۱. مرحله سنتی که در آن تغییرات خیلی کند است. (جامعه سنتی)
  ۲. مرحله شرایط مقدماتی برای خیز: با ظهور نیروهای کارفرمایی جدید، گسترش بازارها، توسعه صنایع جدید تغییرات شروع می‌شود.
  ۳. مرحله خیز: ایجاد یک نیروی محرکه مثل یک انقلاب سیاسی یا نوآوری فنی یا فضای مساعد بین‌المللی همراه با صعود قیمت‌ها و تقاضا برای صادرات
  ۴. مرحله حرکت به سمت بلوغ (سرمایه‌گذاری مولد): به دست آوردن سرمایه از طریق ابزارهای مالیاتی یا مصادراه اموال یا از نهادهای مالی مثل بانک‌ها، بازارهای سرمایه، فروش اوراق یا بازار بورس یا تجارت خارجی یا سرمایه‌گذاری خارجی. سرمایه‌گذاری مولد ابتدا در یک بخش عمده تولید کارخانه‌ای آغاز و سپس به سرعت به دیگر بخش‌های اقتصادی گسترش می‌یابد.
  ۵. ایجاد جامعه انبوه مصرف: در این مرحله شاهد افزایش فرصت‌های شغلی، رشد درآمد ملی، بالا رفتن تقاضاهای مصرف و شکل‌گیری یک بازار پر قدرت محلی هستیم.
- عمده مشکلات در این رویکرد عبارت است از: نبود سرمایه‌گذاری مولد؛ و راه‌حل آن: کمک‌های خارجی است.

سؤال ۹) متغیرهای نوسازی را نام ببرید.

۱. تمایز: جدایی و تخصصی شدن تدریجی نقش‌ها، حوزه‌های نهادی و ارتباطات در جامعه؛
۲. برابری: توسعه شهروندی ملی، یک نظم قانونی عام‌گرایانه و هنجارهای پیشرفت فردی؛
۳. ظرفیت: توانایی نظام سیاسی برای برانگیختن دگرگونی و کنترل تنش‌های حاصل.

**سؤال ۱۰) بحران‌های نوسازی را شرح دهید.**

۱. بحران هویت ملی: از دست دادن هویت ملی، زمینه بروز مفسد اجتماعی را آسان می‌کند؛
۲. بحران مشروعیت سیاسی برای دولت‌های جدید؛
۳. بحران نفوذ و مشکل پیاده کردن سیاست‌ها در سرتاسر جامعه از طریق حکومت مرکزی؛
۴. بحران مشارکت؛
۵. بحران فقدان هم‌بستگی میان گروه‌های مختلف و متنوع سیاسی؛
۶. بحران توزیع: زمانی که دولت قادر به تأمین رشد اقتصادی و توزیع کافی کالاها و خدمات برای برآوردن خواسته‌های مردم نباشد.

**سؤال ۱۱) نتایج نظریه نوسازی برای سیاستمداران چیست؟**

۱. توجیه روابط نامتقارن جوامع صنعتی و سنتی (امریکا و جهان سوم)؛
۲. برخورد با مشکل کمونیسیم (راه توسعه راه امریکا است لذا باید از کشورهای کمونیستی دوری گزید)؛
۳. مشروعیت بخشی به سیاست‌ها و کمک‌های خارجی و اعزام مستشاران آمریکایی در کشورهای جهان سوم و در نتیجه ادامه استعمار در شکل جدید (شروع استعمار نو).

**سؤال ۱۲) اشتراکات و تفاوت‌های نظریه نوسازی جدید و قدیم را شرح دهید.**

۱. موضوع هر دو بحث، توسعه جهان سوم است.
  ۲. تحلیل‌ها در سطح ملی ارائه شده است.
  ۳. هدف، توسعه‌ای است که از طریق تغییرات ارزش‌های فرهنگی و نهادهای اجتماعی به نفع فرهنگ غرب انجام می‌شود.
  ۴. فرض بر این است که رابطه کشورهای غربی در مجموع به نفع کشورهای جهان سوم است؛
  ۵. از اصطلاحاتی نظیر آنچه در مطالعات کلاسیک به کار برده می‌شود مانند سنت و تحدید استفاده می‌کند.
- تفاوت‌ها:**
۱. مفاهیمی مثل سنت و تجدّد به عنوان مفاهیم متباین در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه این دو می‌توانند همزیستی داشته باشند و در هم تأثیر بگذارند.
  ۲. سنت به معنای حفظ فرهنگ‌های محلی مانع توسعه نیست، بلکه می‌تواند خود مولّد توسعه باشد.
  ۳. با استفاده از تاریخ سعی می‌شود برای هر کشور مدل خاصی توصیه شود.
  ۴. الزاماً توسعه یک‌طرفه به طرف مدل‌های غربی نیست.
  ۵. کشورهای غربی و قدرت‌های بزرگ نقش مثبت و منفی در توسعه کشورهای دیگر دارند.

سؤال ۱۳) آیا انقلاب ایران، نوسازی جدید است؟ نظر بنوعیزی را شرح دهید.

بنوعیزی معتقد است انقلاب اسلامی ایران، مدلی از نوسازی جدید است که در آن سنت، تجلی بخش تحول اجتماعی شده است. معضلات نوسازی قدیمی که در ایران زمان پهلوی وجود داشته است، از نظر بنوعیزی عبارتند از:

۱. موج نوسازی پهلوی‌ها در ایران تنها به نفع عوامل غربزده در طبقات متوسط و بالای شهر و اشرافیت کارگری در بخش صنایع و معدن منجر شد، و در مقابل نابرابری اجتماعی، سرسپردگی شاه نسبت به بیگانگان، تحقیر فرهنگ اسلامی و فساد دربار موجب افزایش تضاد در همه بخش‌های جامعه شد.
۲. نوسازی موجب ایجاد شکاف فرهنگی عمیق میان بخش‌های کوچک نوگرا و بخش بزرگی از اقشار جامعه شد.
۳. مذهب تشیع از نظر ایدئولوژیک دارای ماهیتی منحصر به فرد در مبارزه‌طلبی داشت و سیستمی ممتاز در تشکیلات رهبری و تأمین مالی داشت.
۴. انقلاب ایران، یک انقلاب اجتماعی بود که از طرف توده‌ها به راه انداخته شد و ائتلافی از نیروهای اجتماعی و سیاسی را در برمی‌گرفت.

سؤال ۱۴) نتایجی که بنوعیزی در خصوص انقلاب اسلامی ایران می‌گیرد، چیست؟

۱. نوسازی لزوماً به غیر دینی شدن جامعه منجر نمی‌گردد.
۲. توسعه در ایران را باید با ملاحظات جریان‌ات خاص تاریخی در نظر گرفت.
۳. ویژگی‌های سنتی نقش‌آفرینان، مانعی در مسیر حرکت آن‌ها به وجود نیاورده است.
۴. جنبش‌های مذهبی سنتی، هم مورد استقبال کسانی واقع می‌شوند که به طور گسترده در معرض نهادهای جدید قرار دارند مانند طبقه متویط جدید، و هم مورد توجه کسانی که عناصر حاشیه اجتماع محسوب می‌شوند مانند فقرا و محرومین.
۵. مشاهدات بنوعیزی حاکی از پیروزی یک عنصر سنت‌گرا و شکست همه گروه‌های متجدد دیگری بود که در مبارزه شرکت داشتند.

سؤال ۱۵) انتقادات مطرح درباره نظریه نوسازی را شرح دهید.

۱. ایجاد بحران هویت برای کشورهای جهان سوم: هویت هر ملتی به فرهنگ اوست. با حرکت تمام کشورها در مسیر کشورهای غربی عملاً تلاش می‌شود که فرهنگ آن کشورها به فرهنگ کشورهای غربی تبدیل شده و از آنجایی که یک فرهنگ ریشه در اعماق تاریخ آن ملت دارد عملاً این کار شدنی نیست، بلکه با تحقیر فرهنگ خودی و افزودن عناصری اصلی فرهنگ بیگانه افراد دچار بحران هویت می‌شوند.

۲. توصیه به نوسازی ناشی از تعصب نژادی دانشمندان غربی است، چون غالب محققین نوسازی، آمریکایی و اروپایی هستند و بر این اعتقادند که ارزش‌های فرهنگی غرب طبیعی‌ترین و بهترین ارزش‌های دنیا می‌باشند و این گونه اعتقاد به برتری غرب یک اندیشه نژاد پرستانه است.
۳. ملاک توسعه و رشد مشخص نیست. بر اساس چه ملاکی کشورهای غربی لقب جوامع پیشرفته را به خود داده‌اند. و چرا تمامی کشورهای دیگر با عنوان عقب‌مانده مورد خطاب قرار می‌گیرند. آیا ملاک کشورهای غربی را همه جوامع قبول دارند؟
۴. مفاهیمی نظیر پیشرفته، نوگرا، سنتی، عقب‌مانده، صرفاً برچسب‌های ایدئولوژیک هستند که برای توجیه برتری سیاست غرب مورد استفاده قرار گرفته‌اند.
۵. با تأکید بر نوسازی به سبک غربی امکان توسعه متوازن و متناسب با فرهنگ آن جامعه از آن‌ها سلب می‌شود.
۶. تفکر نوسازی بر پایه تکامل‌گرایی خطی استوار است در حالی که این امر در تاریخ بشر ثابت نشده است و بلکه عکس آن ثابت شده است چرا که یک قرن رشد، ممکن است به سقوط ختم شود مثل وقوع جنگ‌های جهانی بعد از رشد اندیشه انسان‌مداری و لزوم رعایت حقوق بشر و یا رشد اندیشه‌های ضد‌اخلاقی در جهان غرب امروز.
۷. هر کشوری از نظام ارزشی متجانس و همگونی برخوردار است و با ورود فرهنگ غرب، این تجانس و همگونی به هم‌ریخته و مردم دچار انواع انحرافات و ناهنجاری خواهند شد. زیرا نوسازی توان نابودسازی ارزش‌های سنتی را به طور کامل ندارد و با ورود نوسازی، ارزش‌های نامتجانس و ناهمگون شکل گرفته و مردم در تشخیص خوب و بد دچار مشکل می‌شوند.
۸. آیا ارزش‌های سنتی همیشه مانع جریان نوسازی محسوب می‌شود؟ آیا برای رسیدن به پیشرفت حتماً باید ارزش‌های سنتی را کنار بگذاریم؟ در حالی که جوامعی مثل ژاپن دیده شده که ارزش‌های سنتی در افزایش بهره‌وری نقش محوری داشته است.

### سؤال ۱۶) انتقادات روش‌شناسی به نظریه نوسازی را بیان کنید.

۱. مباحثات پژوهشگران نوسازی چنان کلی و عمومی است که فرضیات آنان از محدوده‌های زمان و مکان فراتر می‌رود.
۲. تحقیقات انجام شده توسط محققین نوسازی فاقد مطالعات تاریخی پسین و پیشین می‌باشد. آنان به سادگی تحقیقات یک دوره مفروض را تحقیقاتی تاریخی و معتبر برای همه زمان‌ها به حساب می‌آورند و تاریخ همه کشورها را مثل تاریخ اروپا فرض می‌کنند.

### سؤال ۱۷) انتقادات ایدئولوژیکی به نظریه نوسازی را بیان کنید.

۱. دیدگاه نوسازی چیزی بیش از یک ایدئولوژی جنگ سرد نیست که برای توجیه دخالت‌های آمریکا در جهان سوم طراحی شده است؛

۲. پژوهشگران نوسازی توجه اندکی به نقش عوامل خارجی نظیر تاریخ استعمار، سلطه شرکت‌های چند ملیتی بر اقتصاد این کشورها، الگوهای نابرابر تجارت غرب و کشورهای جهان سوم و ماهیت نظام بین‌الملل داشته‌اند.

### سؤال ۱۸) زمینه‌های تاریخی مکتب وابستگی را شرح دهید.

زمینه‌های تاریخی مکتب وابستگی عبارتند از:

۱. شکست برنامه اکلا در امریکای لاتین: الف) قرار بود فرآیند صنعتی‌شدن با جایگزینی بخش بزرگی از واردات، در توسعه تولیدات داخلی تسریع گردد. در ابتدا باید از طرق مختلف از صنایع داخلی حمایت به عمل آید اما باید بعد از مدتی خود به اداره امور خود می‌پرداختند؛ ب) درآمدهای خالص از صادرات مواد خام باید به مصرف خرید کالاهای سرمایه‌ای از خارج رسیده و بدین ترتیب به افزایش نرخ رشد اقتصادی کمک شود. در حالی که برنامه‌های فوق عملاً شکست خورد.

۲. پیدایش نئومارکسیسم: الف) لازم نیست مارکسیسم از اروپای غربی شروع شود؛ ب) لازم نیست مراحل سرمایه‌داری حتماً پشت سر گذاشت تا به مرحله مارکسیسم رسید؛ ج) لازم نیست حتماً کارگران انقلاب کنند بلکه دهقانان و روستائیان هم می‌توانند انقلاب کنند.

۳. رشد توسعه‌نیافتگی در کشورهای جهان سوم: پس از مدتی مشاهده شد که با اجرای نوسازی این کشورها به جای پیشرفت، پسرفت داشته‌اند. آن‌ها علت شکست نوسازی را چنین ذکر کردند: الف) مکتب نوسازی ایراد در کشورهای جهان سوم را در درون و فرهنگ آن جوامع می‌دانست در حالی که اشکال در بیرون و نقش کشورهای استعمارگر است؛ ب) با برچسب‌های سنتی یا بدوی یا فئودالی نمی‌توان کشورهای جهان سوم را توضیح داد، چون بسیاری از این کشورها مثل برخی از کشورهای اسلامی یا هند قبل از مواجهه با استعمار کاملاً پیشرفته بودند؛ ج) سیستم متروپل و اقمار و مازاد اقتصادی موجب عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم است.

### سؤال ۱۹) از دیدگاه مکتب وابستگی، علت اصلی رشد توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم چیست؟

انتقال مازاد اقتصادی صنعتی کشورهای صنعتی به کشورهای ضعیف و انتقال مواد خام از کشورهای ضعیف به کشورهای صنعتی. (توسعه در کشورهای جهان اول به هزینه کشورهای گروه دوم انجام می‌شود).

### سؤال ۲۰) از دیدگاه مکتب وابستگی، شکل‌های مختلف سه‌گانه تاریخی وابستگی به قدرت‌های جهانی

را همراه پیامدهای آن شرح دهید.

شکل‌های مختلف سه‌گانه تاریخی وابستگی به قدرت‌های جهانی عبارتند از:

۱. وابستگی استعماری

۲. وابستگی مالی - صنعتی

۳. وابستگی تکنولوژیک - صنعتی

پیامدهای وابستگی های مالی - صنعتی:

۱. سلطه شدید انحصارات بر بازارهای بین‌المللی؛
۲. بخش بزرگی از سودهای حاصل برای کشورهای جهان سوم به خارج منتقل می‌شود؛
۳. کشورهای وابسته برای جبران کسری موجود، محتاج تأمین سرمایه‌های مالی از خارج در قالب وام خواهند بود؛
۳. وام‌های اخذ شده تحت نظارت قدرت‌های بزرگ به منظور بیشتر وابسته‌کردن کشورهای مقصد انجام می‌شود.

### پیامدهای وابستگی‌های تکنولوژیک - صنعتی:

۱. توسعه نابرابر نظام سرمایه‌داری در سطح بین‌المللی به گونه‌ای حاد در داخل این کشورها نیز باز تولید شده و موجب تقسیم جامعه به دو بخش صادرات کشاورزی و بخش تکنولوژیک همراه با مراکز اقتصادی - مالی مدرن می‌شود؛
۲. وجود بازارهای کار ارزان موجب بروز تفاوت‌های زیادی در سطوح مختلف دستمزدها می‌گردد؛
۳. حضور ساختار تولیدی نابرابر در کشورهای مقصد محدودیت‌های را برای رشد بازارهای داخلی بوجود می‌آورد؛
۴. فرستادن سودها به خارج و انتقال بخشی از مازاد اقتصادی ایجاد شده در اقتصاد داخلی موجب محدودیت رشد بازار کالاهای سرمایه‌ای می‌گردد.

### سؤال (۲۱) فرض‌های اساسی مکتب وابستگی را برشمرد.

۱. وابستگی فرآیندی عام بوده و در همه کشورهای جهان سوم صادق است؛
۲. وابستگی وضعیتی است که از بیرون بر کشورها تحمیل شده است، پس بزرگ‌ترین مانع توسعه ملی، میراث استعمار و تداوم تقسیم کار نابرابر بین‌المللی است؛
۳. وابستگی یک وضعیت اقتصادی است و نتیجه آن انتقال مازاد اقتصادی کشورهای جهان سوم به سمت کشورهای سرمایه‌داری غرب است که عمدتاً شامل مواد خام است؛
۴. از سوی دیگر، بعد از انتقال مواد خام به غرب با فراوری آن به شکل مواد ساخته شده صنعتی مانع توسعه در کشورهای جهان سوم می‌شود؛
۵. وابستگی و توسعه دو فرآیند ناسازگارند. و توسعه در پیرامون وجود ندارد.

### سؤال (۲۲) سیاست‌ها و خط مشی‌های مکتب وابستگی را شرح دهید.

۱. تعریف مجدد توسعه به معنای بهبود سطح زندگی همه مردم پیرامون باشد. (تأمین نیازهای اساسی دهقانان، روستا نشینان، بیکاران و تهیدستان)
۲. ارتباط بیشتر با کشورهای مرکز به زیان کشورهای پیرامونی تمام می‌شود، لذا باید کشورهای پیرامونی پیوندهای خود را با کشورهای مرکز قطع نمایند و به جای تکیه بر کمک و تکنولوژی خارجی، باید الگوی خود



اتکایی را بر پایه منابع خودی برگزیده و به طراحی راه‌های توسعه مخصوص خود پردازند تا بتوانند به استقلال و توسعه ملی دست یابند.

۳. از آنجایی که نخبگان حاکم کشورهای پیرامون به قطع کامل رابطه با کشورهای مرکز و شرکت‌های چند ملیتی رضایت نمی‌دهند، و از طرفی توسعه مستلزم ایجاد تغییرات اساسی در روابط اقتصادی و سیاسی در جهت برچیدن نظام بازار و بسیج جمعیت و گروه‌های داخلی در راستای فعالیت‌های ملی است. لذا توسعه مستلزم قطع نفوذ خارجی‌ان که حامی وضع موجود هستند، با خلق یک انقلاب جهت سرنگونی نخبگان موجود و جایگزینی نخبگان شایسته برای توسعه می‌باشد.